



مدیریت بحران در زندان

تدوین

آقای جبار باقری و آقای دکتر عبدالرضا بیگی نیا

تابستان ۱۳۹۸

صلى الله عليه وآله

فهرست مطالب

۳	مقدمه	۱-۱
۴	مفهوم بحران	۱-۲
۵	برنامه ریزی مدیریت بحران	۱-۳
۵	وظایف مدیریت بحران	۱-۴
۶	ویژگی های مدیریت بحران در مهار بحران	۱-۵
۶	مراحل چهارگانه مدیریت بحران	۱-۶
۷	اهمیت علامت ها یا نشانه ها در مدیریت بحران	۱-۷
۷	انواع علامت های بحران	۱-۸
۸	تهدید و ناامنی در زندان	۱-۹
۸	تعریف بحران در زندان	۱-۱۰
۹	وقایع دارای خصیصه بحران زایی در زندان	۱-۱۱
۹	مهمترین عوامل ایجاد کننده بحران در زندان	۱-۱۲
۱۳	قدرت سازماندهی	۱-۱۳
۱۵	عملیات مهار بحران	۱-۱۴
۱۵	انواع بحران در زندان	۱-۱۵
۱۵	خشونت در زندانیان	۱-۱۵-۱
۱۷	خودزنی	۱-۱۵-۲
۱۸	خودکشی	۱-۱۵-۳
۱۹	اعتصاب غذا	۱-۱۵-۴
۲۱	گروگانگیری	۱-۱۵-۵
۳۱	بروز بیماری خاص در زندان	۱-۱۵-۶
۳۲	فرار از زندان	۱-۱۵-۷
۳۴	سوانح و حوادث در زندان	۱-۱۵-۸
۳۵	دسترسی زندانیان به سلاح گرم	۱-۱۵-۹
۳۷	شورش در زندان	۱-۱۵-۱۰
۴۷	مفاد مندرج در آئین نامه و مقررات قانونی زندانها در باب مرتبط با تهدیدها و ناامنی در زندان	۱-۱۶
۴۸	فهرست منابع	۱-۱۷

۱- مقدمه

مدیریت زندان با توجه به مختصات محیط زندان و شرایط حاکم بر آن، در رده مدیریت‌های خاص و ویژه طبقه‌بندی می‌شوند. محیط زندان می‌تواند به طور مستمر آستان حوادث و اتفاقات طبیعی و غیرطبیعی باشد.

در مطالعه تاریخی مقوله زندان نوعاً با واژه‌هایی نظیر شورش - فرار - اعتصاب - خودزنی - دیگ‌زنی - آتش‌سوزی - گروگان‌گیری و ... برخورد می‌کنیم، که بعضاً با تلفات و اتفاقات ناگواری همراه بوده است. در مقابل مدیریت زندان‌ها در گذر زمان علمی‌تر و حرفه‌ای‌تر شده و با مناسبت اوضاع و احوال و شرایط حاکم بر زندان‌ها تدابیری از پیش تعیین شده را اندیشیده و عمدتاً آنها را در قالب قوانین و مقررات مدون تنظیم و در اختیار کارکنان زندان‌ها قرار داده‌اند.

شاید بتوان ادعا نمود که زندان‌ها در اکثر کشورها از جمله کشور عزیزمان، دارای جزئی‌ترین و ریزترین قواعد و مقررات به عنوان ضوابط زندانبانی هستند، آیین نامه زندان‌ها از ورود زندانی - استقرار - تغذیه - ملاقات - بهداشت - ارتباطات بیرونی - امنیت و ... دارای مقررات مصوب هستند و این نشان دهنده اهمیت مدیریت زندان است و شاید علت اصلی این حساسیت‌ها به حفظ حقوق زندانی مربوط می‌شود. زندانی به علت ارتکاب جرم به طور کامل در اختیار زندان است و اراده و اختیاری برای تعیین سرنوشت خود ندارد، بر همین اساس نیازمند تدوین اصولی است که زندانی در مقابل حوادث و آسیب‌ها حفاظت شود. از سوی دیگر التهابات ناشی از زندانی شدن، شرایطی را برای زندانی به وجود می‌آورد که احتمال واکنش‌های مختلف در مقابل تصمیمات مدیریت زندانی وجود دارد. این واکنش‌ها در صورت سوء مدیریت و عدم آگاهی مدیران زندان‌ها ابتدا به مسئله، سپس معضل و نهایتاً به بحران منجر می‌شود و آنگاه، مدیریت زندان‌ها با صرف هزینه‌های بیشتری مجبور به مهار بحران خواهند شد از این منظر مدیریت معقول و منطقی ایجاب می‌کند برای پیشگیری از بروز بحران، تدابیر لازم اندیشیده شود. یکی از راه‌های موثر آموزش زندانبانان در رده‌های مختلف است. خوشبختانه در دهه‌های اخیر سازمان زندان‌ها توجه ویژه‌ای به امر آموزش زندان داشته و ده‌ها دوره آموزش در طول سال برای کارکنان زندان‌ها برگزار می‌شود. اخیراً دانشگاه حقوق قوه قضاییه نیز اقدام به برگزاری دوره‌های آموزش ویژه مدیران زندان‌ها نموده‌اند که یکی از مباحث و دروس آموزش مدیریت بحران در زندان‌ها است. اینجانب با سابقه مختصری که در امر مدیریت زندان‌ها دارم، سعی نمودم تجربیات و اندوخته‌های خود را در این زمینه با برخی مباحث علمی و مستندات و تجربیات بین‌المللی آمیخته و در قالب این نوشتار تقدیم نمایم. امیدوارم مدیران، کارکنان و دست‌اندرکاران مدیریت زندان برای غنای بیشتر این مجموعه، پیشنهادات و نظرات خود را به حقیر منتقل تا در چاپ‌های بعدی مورد استفاده قرار گیرد.

جبار باقری

۲- مفهوم بحران

بحران به اتفاق یا رویدادی اطلاق میشود که بر منافع و شهرت یک سازمان، تأثیر گذاشته و جریان امور را مختل کند. بحران لزوماً به صورت انفجار و یا آتش‌سوزی پرسروصدا نیست. بحران میتواند در همه جا و در هر سطحی (از سطح جهانی گرفته تا برای یک فرد) روی دهد. برای روشن شدن موضوع، مثالهایی از بروز بحران در سطوح مختلف ذکر می‌شود:

- بحران در سطح جهانی (سوراخشدن لایه ازن)

- بحران در سطح کشور (کم‌آبی و بیکاری)

- بحران در سطح شهر (آلودگی آب‌وهوا و بلایای طبیعی)

- بحران در سطح سازمان نظیر زندان (اعتصاب، خرابکاری)

- بحران در سطح خانواده (بیماری، مرگ ناگهانی و سرقت).

مدیریت بحران را میتوان؛ فرآیند پیش‌بینی قبل از وقوع بحران، برخورد بعد از وقوع بحران، تعریف کرد. از این رو، مدیریت بحران با مدیریت ایمنی در بحران و سالم‌سازی و مداخله (فرآیند و یا برنامه کاهش حوادث و آسیبها در محل کار) و مدیریت ریسک (فرآیند حفاظت از اموال و دارایی‌ها در برابر سرقت، آتش‌سوزی و حوادث غیرمترقبه) تفاوت دارد (ناصری فرد، ۱۳۸۰).

خصوصیات عمده بحران عبارت است (جمعی از نویسندگان، ۱۳۸۶ : ۲۲)

- فرصت و زمان کم برای واکنش نسبت به آن.
- وجود اطلاعات ناقص، نامعتبر و مشکوک در هنگام وقوع حادثه.
- تهدید کردن منابع طبیعی و یا زندگی بشر.



شکل ۱: خصوصیات سه گانه بحران

۳- برنامه ریزی مدیریت بحران

در صورتی که برنامه‌ریزی برای بحران بدون توجه به عوامل و واقعیت‌های درونی و بیرونی انجام شود گمراه کننده بوده و اجرا نکردن آن بسی بهتر از کاربرد آن خواهد بود. وقوع بحران و تصمیم‌های نادرستی که در زمان وقوع بحران اتخاذ می‌شوند بر اعتبار و شهرت سازمان و به تبع آن بر منافع آن تأثیر منفی می‌گذارند. هنگام وقوع بحران یک تصمیم نادرست می‌تواند ضررهای مالی سنگین و بدنامی آتی را به دنبال داشته باشد. برنامه مدیریت بحران به فرایند ارزیابی و الویت‌بندی بحران‌ها و پیش‌بینی تغییرات لازم برای پیشگیری، مداخله و سالم سازی اطلاق می‌شود. یک برنامه مدیریت بحران به صورت مکتوب و با یک روش شناسی علمی برای پیشگیری و مداخله در بحران‌های عمومی تهیه می‌شود. چنین برنامه‌ای برای بحران‌های خاص مناسب نیست؛ زیرا روش‌های پیشگیری و مداخله در بحران‌های خاص از یکدیگر متمایز بوده و برای هر بحران خاص باید برنامه جداگانه‌ای تنظیم شود.

۴- وظایف مدیریت بحران

مدیر بحران وظایف مختلفی را برعهده دارد که اهم آن‌ها به شرح زیر است:

- هماهنگی در به جریان انداختن اطلاعات بین افراد و واحدهای ذیربط، باتوجه به محرمانه بودن اطلاعات
- هماهنگی در ارائه خدمات و تضمین کیفیت به افراد و گروههایی که میتوانند بحرانهایی را ایجاد کنند. نظیر: کارگران یک کارخانه، دانشجویان یک دانشکده و یا زندانیان
- همدردی و کمک به افراد بحرانساز به منظور جلوگیری از وقوع بحران
- مشورت، ارائه و دریافت پیشنهاد از افراد و واحدهای دخیل و در حل بحران(به صورت مستقیم یا غیرمستقیم)
- ارائه خدمات، نظیر خدمات پرسنلی و اطلاعاتی، به افراد مؤثر و دخیل در حل بحران
- ارزیابی فرآیندها و انجام پیگیریهای لازم(ناصری فرد، ۱۳۸۹)

۵- ویژگی های مدیریت بحران در مهار بحران

هر اندازه سازماندهی نیروهای مقابله کننده با بحران بیشتر باشد، کنترل بحران آسان تر است

هر اندازه ارتباطات بین ارگان های مقابله کننده با بحران بیشتر باشد، مدیریت بحران کارا تر است .

هر اندازه سرعت تصمیم گیری مدیریت بحران بیشتر باشد، سرعت کنترل بحران بیشتر است .

هر چقدر عوامل بحران برای مدیریت بحران آشناتر باشد کنترل آن آسانتر است.

هر اندازه برنامه ها و وظایف نیروهای مهار با بحران روشن تر باشد، کنترل بحران ساده تر است .

اصول مدیریت بحران، به راه حلی معقول برای برطرف کردن شرایط غیرعادی به گونه ای که منافع و ارزش های اساسی تأمین شوند تاکید دارند. این هدف در برگیرنده سیاست جاری است و از طریق فرایندهای اجبار و انطباق پیگیری می شود تا نهایت، گرفتن بیشترین امتیازات ممکن از دشمن بیانجامد و موقعیت و جایگاه خودی، حد امکان، هر گونه تزلزلی حفظ گردد .

۶- مراحل چهارگانه مدیریت بحران

براساس تعاریف انجام شده در قانون تشکیل سازمان مدیریت بحران کشور، برای مدیریت بحران چهار مرحله تعریف می نمایند، و آن را به چرخه مدیریت بحران می شناسند. این چهار مرحله در ادامه توضیح داده شده است

الف - پیشگیری مجموعه اقداماتی است که با هدف جلوگیری از وقوع حوادث و یا کاهش آثار زیانبار آن، سطح خطرپذیری جامعه را ارزیابی نموده و با مطالعات و اقدامات لازم سطح آن را تا حد قابل قبول کاهش می دهد ضرورت و اهمیت بحث پیشگیری، این باور است که همگان بدان اعتقاد دارند و در تلاش برای حفظ سلامت خود، مجموعه، سازمان، نظام یا کشور هستند

ب - آمادگی مجموعه اقداماتی است که توانایی جامعه را در انجام مراحل مختلف مدیریت بحران افزایش می دهد که شامل جمع آوری اطلاعات ، برنامه ریزی، سازماندهی، ایجاد ساختارهای مدیریتی، آموزش، تأمین منابع و امکانات، تمرین و مانور است

موضوع آمادگی تا حدود زیاد در ارتباط تنگاتنگ با بحث پیشگیری است و در کنار آن قرار دارد. اساسی ترین مؤلفه ای که در آمادگی و پیش بینی نقش دارد و منجر به تحلیل منطقی و متقن در ارتباط با موضوعات مختلف از جمله بحران می شود تجربه است

ج - مقابله انجام اقدامات و ارائه خدمات اضطراری به دنبال وقوع بحران است که با هدف نجات جان و مال انسانها، تأمین رفاه نسبی برای آنها و جلوگیری از گسترش خسارات انجام می شود. عملیات مقابله شامل شناسایی دامنه بحران، ریشه

یابی عوامل ایجاد بحران، استفاده از ابزارهای انسانی، اطلاعاتی و فیزیکی مورد نیاز برای مقابله با بحران است. بر اساس آنچه که طی مراحل اول و دوم انجام شد، مسئول مربوط باید برنامه ریزی مشخصی از قبل برای مقابله با وقایع و بحران های احتمالی همانند دیگر برنامه های عادی سازمان داشته باشد. مدیری که در اداره یک مجموعه برنامه ریزی نداشته باشد و به دنبال بروز حادثه تصمیم را عملی سازد به طور قطع باید منتظر شکست سازمانی باشد.

د - بازسازی و بازتوانی

بازسازی شامل کلیه اقدامات لازم و ضروری پس از وقوع بحران است که برای بازگرداندن وضعیت عادی به مناطق آسیب دیده با در نظر گرفتن ویژگی های توسعه پایدار، ضوابط ایمنی، مشارکت های مردمی و مسائل فرهنگی، تاریخی، اجتماعی منطقه آسیب دیده انجام می گیرد. بازتوانی نیز شامل مجموعه اقداماتی است که جهت بازگرداندن شرایط جسمی، روحی و روانی و اجتماعی آسیب دیدگان به حالت طبیعی به انجام می رسد.

در این مرحله، ساز و کار مدیریت بحران رقم می خورد. بر اساس آنچه که در مرحله برنامه ریزی مشخص می شود و بر اساس شرح وظایف ابلاغی که از طریق ستاد بحران به مبادی ذیربط اعلام می شود گروه های مدیریت بحران هر یک در حوزه استحفاظی خود مراحل بازسازی و بازتوانی را انجام می دهند.

۷- اهمیت علامت ها یا نشانه ها در مدیریت بحران

پیش از رویدادن، همه بحران ها یک سلسله علامت های هشدار دهنده اولیه بیرون می فرستند. اگر بتوان این علامت ها را گرفت، بزرگ کرد و روی آنها اقدام نمود، می توان از خیلی بحران ها، پیش از رویدادن، جلوگیری کرد. درست است که در خیلی از این موارد این علامت ها بسیار ضعیف بوده و با سر و صدا توأم هستند، با این وجود اغلب، در هر سازمانی دست کم یک نفر هست که درباره هر رویدادی که در شرف وقوع است، اطلاع داشته باشد. مسئله این است، آن هایی که بیشتر از همه از موضوع اطلاع دارند، اغلب کسانی هستند که کمترین قدرت ها را برای این که توجه سازمان را به آن جلب کنند در اختیار دارند.

۸- انواع علامت های بحران

علامت های بحران را می توان برحسب بدهای دوگانه آن ها از یکدیگر تفکیک کرد. نخستین بعد به سرچشمه علامت مربوط می شود و دومین بعد به نوع علامت مربوط می گردد. در مورد بعد اول علامت ها، مشکلاتی که در شرف وقوع هستند از درون یا از بیرون سازمان سرچشمه می گیرند. در مورد بعد دوم، علامت ها می توانند فنی باشند یعنی به وسیله دستگاه هایی احساس شده و ضبط گردند که از راه دور کار می کنند یا افراد متوجه آن ها بشوند. به طور کلی هر چهار نوع علامت در مورد

همه سازمان ها کاربرد دارد که عبارتند از: علامت های فنی درونی، علامت های افراد درونی، علامت های فنی بیرونی، علامت های افراد بیرونی

علامت های فنی درونی آن هایی هستند که به وسیله دستگاه های کنترل کننده ضبط می شوند. برای مثال، دستگاه های کنترل کننده عملیات خطرناک که احتمالاً در جاهای دور قرار دارند. علامت های فنی بیرونی را می توان به وسیله افراد جامعه ضبط کرد. مانند گروه های حافظ محیط زیست که ممکن است در نزدیکی کارخانه تولیدکننده به سر ببرند. علامت های افراد درونی معمولاً از کسانی دریافت می شود که در درون کارخانه به کار مشغول هستند. مانند کارگران تعمیرات برق. علامت های افراد بیرونی، اغلب از افرادی دریافت می شوند که در نزدیکی کارخانه زندگی می کنند. برای مثال، کسانی که اصطلاحاً بو می برند که اتفاق بدی در شرف وقوع است.

۹- تهدید و ناامنی در زندان

زندان یک جامعه کوچک است و همانطور که جامعه کلان دارای اجزاء و عناصر تشکیل دهنده می باشد و همواره امکان دارد که برخی از این اجزاء از قاعده و شکل بهنجار خود خارج شده و حالت نابهنجار به خود گیرند در محل زندان نیز همواره این احتمال وجود دارد که برخی از اجزاء از قاعده و شکل بهنجار خود خارج شده و حالت نابهنجار به خود بگیرند و شاهد پدیده های نابهنجار باشیم.

نابهنجاری در زندان تبدیل به تهدید و ناامنی می شود و موقعیت بحرانی ایجاد می شود. لذا برای مقابله با هر تهدید و ناامنی در زندان باید مدیریت بحران را اعمال کرد. لذا مدیران زندانها باید در مورد پدیده بحران در زندان شناخت لازم را داشته باشند و با استفاده از تکنیک های مدیریتی و با تجربیات موفق خویش با کمترین آسیب با بحران ها و ناامنی و تهدیدها در زندان مقابله نمایند.

۱۰- تعریف بحران در زندان

سازمان اصلاحات جزائی بین المللی^۱ که یک سازمان غیردولتی^۲ می باشد و از اهداف آن تلاش برای ارتقا، اصلاحات در نظام اجرای زندان ها با توجه به تنوع بسترهای فرهنگی می باشد.

^۱ Panel Reform International

^۲ NGO

این سازمان در زمینه به کارگیری و توسعه اصول بین‌المللی حقوق بشر در زمینه مجازات‌های کیفری و شرایط حبس و استانداردهای محیط زندانها طرحی را بعنوان «رویه عملی در زندان» ارائه نموده که در این طرح در خصوص بحران آمده است: «بحران داخلی زندان (اعتصاب غذا، فرار، شورش و حتی خودکشی) اغلب نشانه‌ای از حس عدم اعتماد زندانیان در قبال نظام انضباطی و روند طرح شکایت و فرجام‌خواهی است از سوی دیگر زندانبانان معتقد به بی‌حاصل بودن نظام انضباطی می‌باشند و می‌توانند سرخوردگی‌های خود را به روی زندانیان خالی کنند و تصمیمات غیرقانونی و خودسرانه را بر آنان تحمیل نمایند و در هر دوی این حالت، نظام انضباطی فاقد تعادل خواهد بود.»

۱۱- وقایع دارای خصیصه بحران زایی در زندان

علاوه بر عدم تعادل نظام انضباطی، بسیاری از عوامل، حوادث و سیستم‌های مدیریتی می‌تواند در زندان در صورت فراهم شدن سایر شرایط بحران‌زا شوند. لذا جهت آشنایی بیشتر با پدیده بحران در زندان سعی شده به مهمترین این عوامل ایجاکننده بحران در زندان اشاره نمود.

۱۲- مهمترین عوامل ایجاد کننده بحران در زندان

۱- بروز خشونت

- وقوع نزاع دستجمعی بین زندانیان که معمولاً بر اثر ریشه‌های قومی، نژادی، باندی، سیاسی و انتقامی رخ می‌دهد.
- بروز خودزنی که عکس‌العمل فشارهای روحی و جسمی بر زندانی به جهت کمبود فضای خوابگاهی و امکانات زیستی و تبعیضات ناروا و ... تشدید می‌شود و یا وسیله‌ای برای اعتراض و یا مقابله با تحقیر فردی (خصوصاً در تجاوز جنسی و...) رخ می‌دهد.
- تجاوزهای جنسی زندانیان به یکدیگر شامل تجاوز به عنف به افراد آسیب‌پذیر، تجاوز انتقامی (بصورت دستجمعی یا فردی) تجاوز به مفعولین اختصاصی، تجاوز معوض ادا، دین و قرض و ... را شامل می‌شود.
- گروگانگیری در زندان شامل گروگانگیری زندانیان از زندانیان و زندانیان از پرسنل و زندانیان از مقام‌ها و افراد بازدید کننده زندان و گاهی گروگانگیری در خارج زندان یا از بستگان زندانبانان با هدف آزادی زندانی صورت می‌پذیرد.

۲- فوت زندانی

فوت زندانی به دو صورت طبیعی و غیر طبیعی رخ می‌دهد که در حالت دوم موارد زیر می‌توانید بحران‌زا شود؟

- فوت در اثر سهل نگاری خدمات درمانی زندان
- فوت در اثر دسترسی زندانیان به مواد و معمولاً مواد مخدر از ابزارهای غیر مجاز در زندان
- فوت بر اثر اعتراض (مانند اعتصاب غذا فردی و یا خوردنی)
- فوت بر اثر ضرب و شتم و شکنجه زندانی (توسط زندانیان یا مأمورین)
- فوت بر اثر خودکشی
- قتل (توسط زندانیان و یا مأمورین)

۳- فرار زندانیان

- که معمولاً فرار زندانیان در ۲ حالت می‌تواند بحران‌زا باشد که عبارت از:
 - فرار زندانیان خطرناک و زندانیان سرشناس و مهم
 - فرار زندانی که پس از متواری شدن مرتکب جنایات و جرائم سنگین شود
- فرار از زندانهای که ضریب امنیتی خاصی داشته و با فرار موفق ایمنی و امنیت آنها زیر سؤال می‌رود، همچنین گاهی دسترسی زندانیان به سلاح سرد و گرم، اقدام به حفر تونل، آسیب فیزیکی به نرده‌ها، دیوار و سیستم امنیتی زندان و ... نیز که اقدام جهت فرار محسوب می‌شوند نیز نسبت به درجه اهمیت این حوادث ممکن است در زندان حالت بحرانی ایجاد نماید.

۴- اعتصاب در زندان

- در این خصوص موارد زیر می‌تواند در زندان بحران‌زا باشد:
 - اعتصاب غذای دستجمعی
 - اعتصاب عمومی در انجام خدمات زندان که در این حالت می‌تواند اعتصاب کنندگان زندانیان، کارکنان زندان و یا پیمانکاران خدمات زندان باشند.
 - نوع اعتصاب در جامعه که تأثیر در اداره زندان داشته باشد مانند اعتصاب کامیون‌دارها که وسایل روزمره زندانیان را حمل و نقل می‌کنند.

۵- وقوع سانحه در زندان

- وقوع سانحه در زندان موجب آسیب‌های مالی و جسمی و یا جانی قابل توجه گردد.

۶- وقوع حوادث اعم از بلاهای طبیعی

مانند زلزله، سیل، طوفان و... و یا حوادث غیر طبیعی مانند آتش سوزی، ریزش ساختمان، آسیب‌های اساسی و جدی به تأسیسات زیربنایی زندان (مانند قطع برق، خرابی سیستم سرمایش و گرمایش، قطع آب، قطع سوخت تأسیسات زندان و...) می‌تواند بحران‌زا باشد. البته این حوادث می‌توانند زمینه‌ساز و یا بهانه‌ای برای بروز ناآرامی قرار گیرند به عنوان مثال وقوع یک زلزله در زندان می‌تواند زمینه‌ساز برای ایجاد جو وحشت و رعب و ناآرامی و بی‌قراری و بی‌نظمی و درنهایت شورش گردد.

۷- شیوع آلودگی در زندان

در این وضعیت مواردی که حالت اپیدمی و همه‌گیر داشته و خطرات جانی داشته باشد را می‌توان بحران محسوب کرد مانند مسمومیت عمومی غذایی زندانیان، مسمومیت تنفسی بر اثر انتشار گاز، دود و... مسمومیت بر اثر شیوع بیماری‌های خطرناک و سریع انتشار.

۸- بحران‌های مدیریتی

در برخی موارد زندان از ناحیه مدیریت و کارکنان آن و ارتباط جایگاه زندان با جامعه دچار بحران می‌شود که این موارد تحت عنوان بحران مدیریت در زندان تقسیم‌بندی شده و به مواردی از آن به شرح زیر اشاره می‌شود:

- ایجاد جو بی‌اعتمادی به نحوه اداره زندان شامل مواردی چون کشف اختلاس، سرقت‌های بزرگ، حیف و میل اموال، اخذ رشوه و... در بین کارکنان زندان
- تعدی و ظلم به زندانیان که موجب جریحه‌دار شدن احساسات عمومی و یا جنگ روانی و تبلیغاتی علیه زندان شود.
- حادثه‌ای که موجب شود زندان مرکز کانون توجه شده و احتمال آسیب به زندان متصور باشد، (مانند دستگیری و انتقال تعداد قابل توجهی از اعتصاب‌کنندگان و تظاهرات‌کنندگان مردمی و یا انتقال زندانی مهمی که برای باند اشرار، گروه‌های سیاسی، مجامع بین‌المللی مهم بوده و زندان در رأس خبرها و توجه‌ها قرار داشته باشد).
- تقلیل غیرمنتظره کارکنان بصورت کوتاه‌مدت و یا بلندمدت و هر حادثه، اتفاق و یا رویدادی که مانع از حضور تعداد قابل توجهی از کارکنان در محل کارشان شود (اعتصاب وسایل نقلیه عمومی... بیماری و یا حادثه‌ای برای تعدادی از کارکنان و یا حوادث طبیعی در محل زندگی کارکنان که موجب مشغله موجه تعداد قابل توجهی از کارکنان شود و بلند مدت، تقلیل تعداد کارکنان بر اساس تصمیمات اداری).

- بروز ناهنجاری‌های روحی و یا بیماری‌های خاص و یا نارضایتی عمومی در بین کارکنان، آسیب‌پذیری کارکنان در قبال آسیب‌های محیط کار در زندان و ابتلاء آنان به بیماری‌های روحی و روانی و جسمی (مانند ابتلا به HIV، سل، هپاتیت، افسردگی، پرخاشگری و...) و یا نارضایتی از نحوه مدیریت و یا خدمات کارکنان زندان گاهاً موجب می‌شود که بخشی از کارکنان زندان وظایف خود را به صورت صحیح و کامل انجام ندهند و جو ایجاد شده و باعث احتمال سوء استفاده زندانیان و بروز بحران‌های مختلف گردد.

هرچند عوامل فوق مواردی اندک از موقعیت‌هایی است که احتمال بروز بحران در آنها متصور است باید گفت اولاً همانطور که هر بذری در هر زمین و آب و هوایی رشد نمی‌کند هر عامل بحران نیز در هر زندان و در موقعیتی ممکن است بروز کند اما تبدیل بحران نشود مگر ارتباط استثنایی و خاصی حاکم باشد که زمینه را برای چرخه کامل حیات یک بحران (انعقاد - تولد - رشد - مرگ) فراهم گردد. زیرا اولاً بسیاری از موارد بحران را پس از ایجاد و تولد مهار شده و از بین می‌روند. ثانیاً برخی از عوامل در محیط‌های خاصی بحران‌زا می‌شوند مانند اختلافات مذهبی که در محیط ما و زندانهای دارای تنش‌های مذهبی ایجاد و رشد کرده و ممکن است موجب بروز بحران شوند.

اگر بپذیریم که «**حوادث اتفاق نمی‌افتند بلکه ایجاد می‌شوند**» و در مقابله با بلاهای طبیعی نیز زندان‌ها ایمن‌تر از بسیاری از اماکن عمومی و شهری هستند پس توجه به اصل «پیشگیری از بروز بحران» می‌تواند در بسیاری از موارد مؤثر واقع شود. پیشگیری یک نوع آمادگی برای جلوگیری از ایجاد و مقابله با زمینه‌های بروز بحران می‌باشد و در این مبحث ابتدا آمادگی مدیر زندان برای جلوگیری از بروز بحران و مقابله با زمینه‌های بحران پرداخته و آنگاه اصول کلی آمادگی کارکنان و زندان برای مقابله با بحران را ارائه می‌کنیم.

مدیران زندان باید بدانند اداره زندان مانند اداره مدرسه و کارخانه و یا سازمان دولتی نمی‌باشد که رئیس آن برنامه خود را در چارچوب کار روزانه تنظیم نماید و شرایط و بستر کاری روند رسمی، طبیعی و قابل پیش‌بینی داشته باشد و سرعت کار و توسعه بر مبنای شرایط از پیش تعریف شده تنظیم گردد. لذا اگر در این مجموعه بعوض کلمه «رئیس زندان» از مدیر زندان استفاده می‌شود صرف‌نظر از جایگاه این دو عنوان در مباحث حقوقی و اداری، تأکیدی است بر این مطلب که برای اداره زندان صرفاً- نظر از وجود شرایط اکتسابی در یک فرد، صفات ذاتی خاص (مانند تیزهوشی، قدرت تصمیم‌گیری در بحران و ...) در او ضروری می‌باشد. زیرا که باید بتوانند شناخت دقیقی کسب نموده و قادر باشد صحیح و سریع تصمیم بگیرد.

۱۳- قدرت سازماندهی

پس از بروز بحران و اینکه مدیر چند دقیقه‌ای صرف تعریف مشکل مسئله کرد، برای مهار بحران باید منابع و امکانات خود را برای مهار آن متمرکز و سازماندهی کند و از این زمان فرآیند مراحل مهار بحران آغاز می‌شود که ایستگاه‌های این فرآیند عبارت از:

- تشکیل گروه کاری

وقتی مدیر زندان در ورطه یک بحران قرار می‌گیرد باید هرکسی را که در دسترس خود دارد جهت مهار بحران به حرکت و فعالیت درآورد و برای سازماندهی این افراد ابتدا «گروه کنترل بحران» را تشکیل دهد.

گروه کنترل بحران، نزدیکترین همکاران شما در زندان خواهند بود و یا اگر چند گروه تشکیل دادید، گروه کنترل بحران را می‌توانید در مرکز سازماندهی بحران قرار دهید و آنها را برای یک جلسه اضطراری دعوت کنید.

در جلسه به همکاران خود موارد زیر را منتقل کنید.

- تعریف بحران و حادثه واقع شده

- مشاوره برای مهار بحران، بررسی راه‌حل‌های ممکن و دخالت آنان در اتخاذ تصمیم‌های مهم و کلیدی

- تقسیم کار کنید و اطلاعات لازم وظایف و دستورهای مهم را به تک‌تک آنها ابلاغ کنید.

- افراد گروه را ترغیب کنید تا برای رفع ابهامات، سؤالات خود را مطرح کنند.

- تأکید داشته باشید به اینکه شما به عنوان مدیر در هر حال مدافع آنها خواهید بود.

- در حالی که دقت دارید در زمان بحران خونسرد بوده و روحیه نشاط خود را از دست نداده‌اید دوستانه به آنان تفهیم کنید

برای مهار بحران به فداکاری و شجاعت آنها حساب می‌کنید.

- در پایان جلسه کنترل کنید همه مأموریت خود را فهمیده باشند.

آنگاه کار آغاز کنید و سعی کنید همیشه و به راحتی در دسترس بوده تا افراد گروه کنترل بحران بتوانند به سهولت با شما

ارتباط برقرار کنند.

توصیه‌های مهم:

با عنایت به اینکه بحران موجب تشدید احساسات و عواطف می‌شود (از هیجان گرفته تا وحشت) و وقتی احساس و روحیه

آسیب‌پذیری جمعی بروز می‌کند غالباً افراد چاره‌ای نمی‌بینند مگر به هم نزدیک و یکپارچه شوند. در این شرایط بعضی از افراد

گروه توانایی و استعدادهایی از خود بروز می‌دهند که همکاران آنها قبلاً از آن بی‌خبر بودند. این امر غالباً موجب تقویت موقعیت این افراد در گروه می‌شود.

در بحران نقش‌های قدیمی و سابقه‌دار افراد در گروه تحت فشار شرایط موجود غالباً در هم می‌ریزد و انعطاف زیادی پیدا می‌شود. بنابراین اگر افرادی برای کاری داوطلب شدند که از نظر شما تاکنون ارتباطی با آن کار نداشتند سعی کنید شانس انجام این کار را به آنها بدهید این کار ممکن است از نظر تأثیر به روحیه آنها اعجاب‌آور باشد.

در بحران بر اساس روحیات افراد می‌توان در مهار بحران به آنها نقش داد افراد بله قربان‌گو در مواقع اضطراری بسیار مفید واقع می‌شوند. این افراد را می‌توان به‌عنوان دستیار و یا معاون در گروه اصلی و یا فرعی استفاده کرد آنها دستورها را به خوبی می‌پذیرند. مثلاً اگر گفتید یک آمبولانس خبر کنید فوراً آن را انجام می‌دهند نه اینکه بپرسند فکر نمی‌کنید که احضار یک پزشک مناسب‌تر باشد.

البته مواقعی وجود دارد که افراد با ایده‌ها و راهکارهای بهتر به ما کمک می‌کنند اما در موارد اضطراری سرعت عمل در تصمیم‌گیری و اجرا، مهمتر از دقت در ریزه‌کاری‌ها می‌باشد. از افراد خونسرد می‌توانید در مرکز مهار بحران استفاده کنید. آنها ممکن است نتوانند به‌سرعت تصمیم‌گیری کنند و فاقد این خصیصه باشند ولی این موضوع در شرایط بحران اهمیت زیادی ندارد. اگر آنها از نظر تصمیم‌گیری قوی نیستند شما به آنها بگوئید چه کنند این افراد برای انجام کارهای خطرناک و اعصاب‌خردکن بسیار مناسب هستند و می‌توانند در شرایط بحرانی محکم در کنار شما باشند. مثلاً در صورت نیاز به تخلیه یک ساختمان در حال حریق و یا ریزش این افراد می‌توانند کمک کنند که هیچکس در ساختمان باقی نمانده باشد.

افراد مضطرب، وحشت‌زده و منفی‌باف باید سریعاً و بصورت غیرمحمسوس از مرکز بحران و تماس با دیگران دور نگه داشته شوند و توجه داشته باشید مشکل آن است که نمی‌توانید حقیقت را به خود آنها بگوئید. بنابراین باید کار و وظیفه قابل قبولی بتراشید و بگوئید که باید آن کار فوراً انجام شود و با ارجاع آن کار به این افراد، آنها را از صحنه و مرکز بحران خارج کنید و افراد با توانایی ارتباط جمعی و با استعداد در حل مشکلات و ابراز همدردی را در بخش روابط اجتماعی با آسیب‌دیدگان (نه خبرنگاران و افراد خارج از سیستم) سازماندهی کنید و آنگاه با تمام قدرت جهت کنترل و مهار بحران فعالیت خود را آغاز کنید.

توجه داشته باشید افراد اعصاب‌خردکن و منفی‌باف لزوماً افراد تحت مدیریت زندان نیستند، شاید از مسئولین مافوق و غیر آشنا به عملیات اجرایی مدیریت بحران باشند که بدون واژه و البته با تدبیر به نوعی باید اینها نیز از مرکز بحران خارج شوند، هر چند پس از مهار بحران مجبور به پاسخگویی به این طیف از افراد باشید.

۱۴- عملیات مهار بحران

بمحض وصول خبر و یا اطلاعی که نشانه‌ای از بروز یک بحران باشد مدیر زندان باید سریعاً خود را از لحاظ اطلاعاتی و فیزیکی به بحران نزدیک کند یعنی اینکه اگر خارج از زندان است فوراً بسوی زندان حرکت کند و ضمن اینکه بسوی مرکز بحران می‌رود تا حد ممکن اطلاعات لازم را در مورد بحران و شرایط زندان کسب کرده و همچنین درخصوص راه مهار مشکل، سازماندهی امکانات، طرح اولیه را در ذهن خود ترسیم نماید و در صورتی که اطلاعات کسب شده دلالت بر بروز بحران باشد در فرصت کسب اطلاعات اولیه موضوع را به مسئول مافوق و یا مسئولین قضایی ذیربط نیز منتقل کند.

درخصوص نحوه مهار بحران‌ها، چون عوامل فرهنگی، فیزیکی (ساختمان زندان) شرایط متغیر ایجاد می‌کند نمی‌توان یک دستورالعمل واحد و عمومی بر هر بحران توصیه کرد و می‌توان گفت هر بحران مسئله تازه‌ای است که راه‌حل مخصوص به خود دارد. لذا در بخش پایانی این فصل سه توصیه عمومی به مدیران زندانها در مهار بحران ارائه می‌شود. سپس اطلاعات عمومی در مورد ماهیت و انواع بحران‌ها صرفاً جهت استفاده به‌عنوان اطلاعات پایه ارائه می‌شود.

توصیه‌های عمومی

۱. در زمان بحران خود را برای شنیدن خبرهای ناگوار آماده کنید.
۲. برای مهار بحران همیشه دامنه آن را از آنچه بیان می‌کنند بیشتر وسیع‌تر فرض کرده و برای وضعیت بدتر نیز خود را آماده کنید. به‌عنوان مثال اگر آتش‌سوزی در زندان رخ داده برای مقابله با شورش نیز خود را آماده کنید.
۳. اقدامات اولیه بحران را به روی محدود کردن دامنه خسارت و بحران معطوف نمائید.

۱۵- انواع بحران در زندان

۱-۱۵- خشونت در زندانیان

اگر بتوان حوادث خشونت‌بار را پیش‌بینی کرد در این صورت ممکن است کمتر تحت فشار و استرس قرار بگیریم و قبل از بروز آن به طور مؤثری واکنش نشان دهیم.

پرخاشگری به‌طور غیر منتظره اتفاق نمی‌افتد. در این حالت قبل از پرخاشگری عصبانیت افزایش می‌یابد. علاوه بر آن در چنین اوضاع و احوالی چیزهایی در محیط و در بین افراد وجود دارد که بیشتر آنها را عصبانی می‌کند. استفاده از تمام این اطلاعات به ما کمک می‌کند که از بروز خشونت رو در رو جلوگیری کنیم.

کارکنان باتجربه زندان غالباً اظهار می‌دارند که می‌توانند آشوب و دردسر در زندان را قبلاً حس کنند و می‌توان با مشاهده زندانیان و پی بردن به تغییرات رفتاری آنان احتمالاً پیش‌بینی کرد که آنان دست به چه کاری خواهند زد و از این طریق می‌توان جهت پیشگیری از خشونت احتمالی اتخاذ تدبیر نمود.

برخی از عکس‌العمل‌های زندانیان طبیعی است مثلاً اگر کسی به آنها توهین کند دیر یا زود آنها واکنش نشان می‌دهند و اگر کسی به آنها تعرض کند آنها از خود دفاع خواهند کرد. در این شرایط مدیر زندان باید از تشدید اوضاع پرهیز کرده و راه‌حل‌ها در جهت آرام‌سازی و کاهش تنش‌ها اتخاذ کند.

مقابله با پرخاشگری فردی

وقتی کسی پرخاشگری می‌کند احتمالاً آنچه که او می‌گوید اهمیتی ندارد بلکه مهم این است چگونه بگوید. اگر کسی واقعاً برافروخته است و رفتار خشونت‌آمیز دارد، احتمالاً در شرایطی قرار دارد که نمی‌تواند بفهمد که چه چیزی به او می‌گوید آنچه در او بسیار تأثیر می‌گذارد چیزی است که روانشناسان به آن «زبان بدن» می‌گویند که بطور خلاصه می‌توان گفت در هنگام ارتباط انسان می‌تواند از اعضای بدن مانند چشم‌ها، دست‌ها، ژست و قیافه نیز مانند کلمات استفاده نماید.

زندانی در حالت پرخاشگری، اندام وی بسیار سخت و سفت می‌شود مشت‌هایش را مانند گره‌کردن دارد و در دو طرف بدنش قرار می‌دهد در چشمان طرف مقابل خیره شده و به‌ندرت پلک می‌زند و بیش از حد به طرف دیگر نزدیک می‌شود. یکی از علائم تهدید، خیره‌شدن است. بنابراین زندانیان وقتی با زندانی پرخاشگر روبرو می‌شوند بهتر است از نگاه خیره در وی خودداری نمایند. اما نگاه خود را به نقطه دوری منعطف نکنند و باید طوری به زندانی نگاه کنند که زندانی پرخاشگر حس کند مأمور زندان نترسیده و به او توجه دارد.

در نگاه اول مأمور باید دقت کند که زندانی وسیله‌ای و یا جسم تیزی در اختیار و یا در نزدیکی نداشته باشد که در حمله از آن استفاده کند. حالت ایشان و بدن مأمور زندان باید همراه با آرامش باشد، صاف بایستد دو دست را در دو طرف بدن قرار دهد. این ژست به زندانی پرخاشگر این پیام را می‌دهد که در صورت حمله آماده هستید، اما اگر دستان را در حالت دفاع قرار دهیم و کمی خمیده و سمت جلو قرار گیرد و حالت چهره خود را تغییر دهید (دندان فشرده، پیشانی چین خورده و سگرمه‌ها در هم کشیده) این پیام را انتقال می‌دهید که من آماده درگیری هستم و اگر در این اوضاع به زندانی بخنیدید و یا وی را مورد تمسخر و استهزاء و یا تهدید قرار دهید او را بیشتر تحریک و عصبانی کردید.

مناسب‌ترین رفتار، خونسردی و کمی احساس نگرانی است. در این شرایط باید در ابتدا سعی کنید علت عصبانیت زندانی را دریابید و در صحبت با وی تن صدای آرام مناسب است اما اگر در شرایطی قرار گرفتید که ممکن است رفتار زندانی در دیگران

تجری ایجاد کند، سعی کنید تن صدای خود را متناسب با حالت صدای او تنظیم کنید ولی نه به همان شدتی که او ممکن است فریاد بزند.

در صحبت با زندانی، ضمن حفظ آرامش و اقتدار، احساس منطقی و حرف وی را درک کنید و با منطق و اقتدار و خیرخواهانه سعی کنید خشم او را فروکش نمایید در مواردی که مأمور زندان با زندانی پرخاشگر روبرو شده باشد می‌توان به زندانی تفهیم کند که او یک مأمور جزئی بیش نیست و زندانی دارای مسئولین دیگری هم هست که تصمیم گیر می‌باشند. او می‌تواند زندانی را دعوت به آرامش کند و قول دهد مشکل وی را به مسئولین مربوطه منتقل کند و در هر شرایط، بهتر است زندانی را جهت ادامه استماع مشکلات و اعتراض وی به اتاقی هدایت کند و سعی کنید بنشینید و آنگاه با حوصله به مشکلات وی توجه کنید تا پرخاشگری وی کاهش و تعدیل یابد و سپس با حفظ اقتدار در جهت حل مشکل وی اقدام کرده و در این حین او را در مورد رفتار نامناسب اش آگاه کنید و در صورت ندامت و حصول نتیجه وی را به وضع عادی دلالت نمائید.

اما در صورت ادامه نا آرامی به کمک سایر مأمورین در کوتاه‌ترین مدت و بصورتی که موجب تنش دیگران نشود زندانی را بدون برخورد فیزیکی زائد و یا ضرب و شتم به محلی مجزا انتقال دهید و اینجاست که نظام زندانبانی اسلامی ایران باید به فکر آموزش کارکنان و تجهیز حوزه یگان حفاظت زندان‌ها باشد و ضمن رسیدگی به مشکل وی به تخلف او نیز رسیدگی کند.

توجه: تهدید غیر قابل انکاری در حوزه منابع انسانی زندانهای کشور در هر شرایط وجود دارد که به دامنه بحرانها اضافه می‌شود. این تهدیدها شامل موارد ذیل است:

۱. کمبود منابع انسانی
۲. کمبود اعتبار و تجهیزات
۳. آموزش‌های ناقص و غیرکاربردی منابع انسانی میدانی و عمل کننده
۴. عدم وجود ساز و کار مناسب جذب و نیروی انسانی از قبیل وضع ظاهری^۱، سلامت روحی و جسمی
۵. فرآیند معیوب جذب و انتصاب همکار غیر سازمانی در قالب مأمور و ... در مناسب حساس

و...

۱۵-۲- خودزنی

گاهی در رفتار خشونت آمیز زندانیان اقدام به «خودزنی» می‌نماید. خودزنی آسیب رسانی عمدی زندانی به بدن خود با اهداف مختلفی از جمله بیان اعتراض، درخواست توجه و رسیدگی و اقدام به خودکشی ناموفق و برخی زندانیان در زندانهای کوچک و

^۱ دارا بودن حداقل ۱۷۰ سانتی متر قد

فاقد امکانات درمانی کافی نیز با اقدام به خودزنی درصدد اعزام برای درمان به خارج از زندان و فراهم شدن زمینه فرار می‌باشند. علیهذا در قوانین اداره داخلی بسیاری از کشورها علاوه بر برخورد انضباطی و قانونی هزینه درمان و معالجه خودزنی‌ها بعهدہ زندانی گذاشته می‌شود.

خودزنی در بسیاری از مواقع بحران‌زا نمی‌باشد و در مواردی چون اقدام به خودزنی در حین بازدیدکنندگان خارجی خبرنگاران و ... با هدف اعتراض از شرایط زندان و رسیدگی قضایی می‌تواند بحران‌زا گردد.

۱۵-۳- خودکشی

اقدام به خودکشی نقطه اوج افسردگی و ناامیدی و عدم تحمل روانی وضعیت موجود برای زندانی و یا عدم تحمل شرایط بعدی برای او می‌باشد. در زندانها عوامل بروز خودکشی بیشتر ناگواری تحمل شرایط حبس، ناامیدی شدید در قبال آینده، آزار و سوءاستفاده جنسی، مشکلات تبعیض‌های قومی و نژادی، تفاوت محیط فرهنگی، دوری از محیط خانواده و دوستان، طلاق و خیانت همسر، دوری از وطن و اجبار به زندگی با افراد غریبه، مرگ عزیزان، عذاب وجدان و ... را می‌توان نام برد.

در صورت تلاش یک زندانی برای خودکشی، پرسنل زندانبان در خط مقدم اقدامات اولیه قرار دارند. آنها باید جهت نجات جان زندانی کمک‌های اولیه را انجام داده و مراتب را به پزشک زندان و مسئولین مربوطه اطلاع دهند و مسئولین زندان نیز پس از اقدامات پزشکی (در صورت نیاز) از طریق مشاور، روانشناس و مددکار و یا عندالزوم یک مقام مذهبی جهت انصراف زندانی به اقدام مشابه تلاش کنند، باید به سخنان زندانی توسط افراد مسئول و یا افراد متخصص درمانی گوش دهند و به او امید و دلگرمی بدهند و از سایر افراد بانفوذ جهت تغییر نگرش زندانی استفاده کنند.

توجه: در خاطرات یکی از کارکنان زندان ملاحظه کردم زندانی خود را حلق آویز کرده، فوراً خودم را به وی رساندم و شانه‌های خودم را زیر پاهای وی بردم و بلند کردم و با فریاد و تقاضای استمداد زندانبان به کمک آمدند و زندانی نجات پیدا کرد و در حالیکه وی بر سر و روی من، به جهت فشار وارده، ادرار کرده بود، وی را رها نکردم تا.....

شخص زندانبان با این اقدام هم مانع خودکشی شده بود و هم در نهایت مانع بحران می‌شود.

در کنار این اقدامات حضوری، جمع‌آوری ابزار و آلاتی که زندانی برای خودکشی از آن استفاده می‌کند و قراردادن وی در محیط‌های جمعی و پیش‌بینی اینکه در محیط‌های خلوت (مانند حمام) وی تنها نباشد می‌تواند به‌عنوان یک تدبیر پیشگیری مؤثر واقع شود.

خودکشی در مواردی که فرد متوفی، زندانی مهمی باشد و یا دارای اطلاعات مهم و حساس و سرنوشت‌سازی باشد که با مرگ وی رسیدن به پرونده‌ای مهم دچار مشکل شود می‌تواند زمینه‌ساز بحران برای زندان گردد.

علیهذا مدیران زندانها جهت پیشگیری از وقوع بحران از بابت خودکشی زندانیان مهم، باید این افراد را بموقع شناسایی نموده و تدابیر ویژه‌ای برای ایمن‌سازی آنها از اقدام به خودکشی اتخاذ نمایند. خصوصاً در دوران‌های خطرناک (اوایل بازداشت، در جریان محاکمه و ابلاغ رأی دادگاه) و این حساسیت را به عوامل و نگرهبانان خود بصورت حضوری و محکم و جدی تفهیم نمایند. توجه به استفاده صحیح از ابزار انفرادی برای تنبیه زندانیان نیز از عوامل مهم جلوگیری از خودکشی در زندانیان محسوب می‌شود. در قوانین بین‌المللی در این ارتباط آمده است: «کمیته حقوق بشر سازمان ملل متحد در مورد منزوی کردن زندانی متخلف (انفرادی) بطور واضح آن را ممنوع نمی‌کند اما آن را به وضوح شکلی از تنبیه می‌داند که فقط در شرایط استثنایی قابل استفاده است و خاطر نشان می‌سازد که: «منزوی ساختن طولانی‌مدت می‌تواند نوعی شکنجه باشد. اتاق انفرادی از لحاظ ساختمانی نیز باید دارای شرایط خاصی باشد این سلول‌ها باید از لحاظ برخورداری از ابعاد مناسب نورطبیعی و کافی، تهویه و سیستم سرمایش و گرمایش مناسب و ایمن بودن سیستم برق، لوله‌کشی، شیشه و ... بمنظور فراهم نبودن امکان خودکشی باید استانداردهای خاص انفرادی‌ها را دارا باشد.^۱ و در نظام قضایی جمهوری اسلامی ایران در سال ۱۳۸۲ باستناد رای هیئت عمومی دیوان عدالت اداری بندها از ماده ۱۶۹ آئین‌نامه اجرایی سازمان زندانها درخصوص استفاده از زندان انفرادی به‌عنوان تنبیه انضباطی لغو شده است.

۱۵-۴- اعتصاب غذا

میان اعتصاب غذایی اعتراض‌آمیز و اعتصاب‌هایی که بمنظور خودکشی انجام می‌گیرند و نشانه‌ای از ناهنجاری روانی محسوب می‌گردند باید تفاوت قائل شد. خودداری از غذا خوردن، اغلب نوعی اعتراض است تا تلاش برای خودکشی که بیشتر جنبه‌های فردی، اجتماعی و گاهی سیاسی دارد. زمانی که اعتصاب غذا به‌علت بیماری روحی و روانی زندانی رخ می‌دهد در صورت معاینه پزشک و تشخیص او ممکن است بیمار به غذا خوردن اجباری ترغیب و حتی سرم غذایی برخلاف میل زندانی به وی تزریق شود و این امر به درمان انگیزه اعتصاب غذا او کمک کند. اما در مواردی که زندانی در برخورداری از سلامت کامل روانی اقدام به اعتصاب غذا با انگیزه اعتراض می‌نماید در بیانیه انجمن جهانی پزشکی درباره اعتصاب غذا آمده است چنین مداخله‌هایی از سوی پزشک نباید انجام شود و در RMT^۲ ها نیز دراین خصوص آمده است: «پزشکان و دیگر اعضای پرسنل

^۱. در نظام قضایی جمهوری اسلامی ایران در سال ۱۳۸۲ باستناد رای هیئت عمومی دیوان عدالت اداری بندها از ماده ۱۶۹ آئین‌نامه اجرایی سازمان زندانها درخصوص استفاده از زندان انفرادی به‌عنوان تنبیه انضباطی لغو شده است.

^۲ مجموعه مقررات حداقل سازمان ملل برای رفتار با حبس‌شدگان

بهداشتی زندان نباید برای متوقف کردن اعتصاب غذا فشار زیادی بر زندانی وارد کنند. زندانی که اعتصاب غذا کرده باید توسط پزشک از عواقب فیزیولوژیک و روانی اقدام خود مطلع شود.

در اصل ۵۴ RMT نیز آمده است: « زندانیان می‌توانند از غذا خوردن امتناع نمایند و دلیل آن می‌تواند ناهنجاری روانی یا تلاش برای جلب توجه و یا واداشتن طرف سوم برای اقدام و یا عدم اقدام باشد. البته همیشه رابطه‌ای منطقی میان خودداری از غذا و هدف مورد نظر وجود ندارد. اگر یک زندانی به این هدف اعتصاب غذا کند که تصمیم دادگاه آینده درباره او تغییر یابد کمتر با احتمال موفقیت روبرو است. زندانیان و دوستان باید این موضوع را به او بفهمانند و اگر در تلاش برای متقاعد کردن او شکست بخورند، پزشک باید وضعیت جسمانی او را تحت نظر گیرد و خطرات احتمالی را به اطلاع او برساند و در صورت لزوم زندانی باید به یک بیمارستان منتقل و طبق دستورالعمل‌هایی که دقیقاً مشخص شده است در آنجا تحت معالجه قرار گیرد،

اعتصاب غذا بصورت انفرادی زمانی می‌تواند بحران‌زا شود که زندانی سرشناس و مورد توجه افکار عمومی و با محافل سیاسی و بین‌المللی با اعتراض موضوع خاصی که بیشتر جنبه سیاسی دارد مبادرت به اعتصاب غذا نماید و در اعتصاب غذا جمعی اقدام به تشویق اعتصاب، اعلام اعتصاب یک بحران محسوب می‌شود در مواردی که انگیزه اعتصاب غذا جمعی مربوط به عوامل خارج از زندان باشد و زندانیان از مسئولین و نحوه اداره زندان رضایت داشته باشند مه‌اران بحران در اغلب موارد به سادگی میسر خواهد شد. در این صورت می‌توان با گفتگو و مذاکره و مساعدت جهت انعکاس و برگیری قانونی مبنای اعتراض زندانیان، نسبت به شکستن اعتصاب غذا و هدایت نحوه پیگیری خواسته زندانیان به مجاری قانونی به موضوع خاتمه دارد و بحران را مه‌ار کرد.

اما در مواردی که اقدام به اعتصاب غذا جنبه اعتراض به نحوه اداره زندان داشته باشد بحران جدی‌تر و حساس‌تری در پیش است و در صورت عدم عملکرد صحیح مدیر زندان در مه‌ار بحران اعتصاب غذا می‌تواند زمینه ایجاد ناآرامی، اغتشاش و در نهایت شورش در زندان گردد. لذا حتی خبر تأیید نشده برای برنامه‌ریزی انجام اعتصاب غذا جمعی می‌تواند آ‌ارم و هشدار لازم برای تشکیل جلسه ستاد بحران و برنامه‌ریزی اقدامات اصولی را به صدا در آورد. چنانچه انگیزه اعتصاب به دلیل عدم کیفیت و کمیت مناسب غذا زندانیان و عدم رعایت مسائل بهداشتی و وجود حشرات، اشیاء و... در جیره غذایی زندانیان باشد و این موضوع نیز صحت داشته باشد بهترین راه هم‌نوایی با زندانیان (قبل از اقدام به اعتصاب غذا) و انجام تغییرات محسوس در طبخ و توزیع غذا زندان و برخورد با عوامل خاطی است و حتی باید برای مدتی بصورت محسوس کیفیت و کمیت غذا را ارتقا داد و شخص مدیر زندان و یا یکی از معاونین کار آمد زندان روزانه تا مدت کافی (حداقل ۱۰ روز) از کیفیت و کمیت و توزیع عادلانه و بموقع غذا سرکشی و نظارت لازم را بعمل آوردند.

مدیر یکی از زندانهای مرکزی کشور مطرح می‌کرد در بعدازظهر یک روز زمستانی از زندان به من اطلاع دادند که لوبیایی پیش بینی شده برای غذای شام زندانیان از صبح خیس خورده ولیکن به علت کیفیت پایین آن پخته نمی‌شود و تا این لحظه که یک ساعت به موعد پخش شام زندانیان، باقیمانده غذا آماده نشده و نگران اعتراض زندانیان هستیم. مدیر زندان به جهت حس مسئولیت پذیری فوراً به زندان مراجعت و به علت عدم دسترسی به مسئول انبار پشتیبانی کلید انبار را بریده و غذای دیگری را که کنسرو و تخم مرغ بوده جایگزین نموده و در تشریح آن می‌گفت از طریق رسانه داخلی زندان مراتب را به زندانیان اطلاع‌رسانی کردم و آنان را با خود همراه نمودم و در آن شب برای جلوگیری از هر نوع پیشامدی شخصاً به طبخ و تقسیم غذا نظارت نمودم و با خیال راحت به خانه برگشتم. در آن شب ۱۵۰۰ تخم مرغ پخته شده در بین زندانیان توزیع می‌شود.

اما اگر انگیزه اعتصاب غذا جمعی اعتراض به مواردی دیگری بود چنانچه زندانیان صاحب حق بودند باید قبل از اقدام به اعتصاب غذا آنان در دو جهت ۱- رسیدگی به اصل اعتراض زندانیان ۲- اقدام به شکستن وحدت زندانیان در برقراری یک اعتصاب جمعی حرکت کرد. در مورد رسیدگی به خواسته موجه زندانیان و نحوه اقدام بر اساس شرایط زمانی و مکانی مدیران زندان مربوطه می‌تواند اتخاذ تدابیر نماید. اما در مورد جلوگیری از ایجاد وحدت در اعتراض و اعتصاب غذای جمعی، مدیران زندان باید نسبت به افزایش کمیت غذا، استفاده از اسانس‌هایی که موجب ایجاد بوی مطبوع در غذا گردد استفاده کنند و در بندهای کانون بحران نیز توزیع غذا بصورت غیرمحسوس همزمان با سرکشی مسئولین از زندان انجام شود که آنان در میان زندانیان جایگاه و احترام خاصی برخوردار هستند تا بدین طریق حداقل اعتصاب غذای فراگیر در زندان ایجاد نشود. ارائه گزارش‌های بموقع با مسئولین مافوق و مراجع قضایی ذیربط و هم‌اندیشی و همسایگی برای مهار بحران می‌تواند ضمن رعایت جهات قانونی موجب تقویت نیروهای مقابله با بحران گردد.

در مجموع مدیران بحران باید بدانند اعتصاب غذا دستجمعی سکوت قبل از فریاد است و اگر در این موقعیت بتواند با شناسایی انگیزه‌ها بحران و اتخاذ تدابیر مناسب بحران را مهار کند از یک بحران بزرگتر با دامنه وسیع‌تر جلوگیری کرده‌اند.

۱۵-۵- گروهانگیری

اصولاً گروهانگیری پیشینه‌ای به قدمت خود تاریخ دارد. در اروپا در قرون وسطی قوانین ملی و بین‌المللی آن قاره گروهانگیری را مجاز می‌شمرد افرادی که پول نزول می‌دادند در برخی مواقع افرادی را به عنوان گروهان نگه می‌داشتند تا از طلب خود مطمئن باشند و یا در آن دوران برخی از کشورها با یکدیگر پیمان که می‌بستند برای تضمین اجرای آن افرادی را گروهان می‌گرفتند.

رومی‌ها گروگان‌هایی از کشورهای تحت سلطه خود نگهداری می‌کردند تا به این وسیله آنان را مجبور به اطاعت بیشتری نمایند و در جنگ جهانی دوم افرادی به عنوان گروگان نگهداری می‌شدند تا بدین ترتیب کشورهای درگیر را بیشتر کنترل و مهار کنند. در دهه ۱۹۶۰ گروگان‌گیری روش متداول برای پیشبرد اهداف بود. استخدام گروه‌های تروریست به روش مطلوبی برای جلب نظر دیگران نسبت به آرمان‌هایشان تبدیل شده بود. از اواخر سال ۱۹۶۰ تا اوایل ۱۹۷۰ هواپیمارمایی حادثه‌ای بود که هر مدت یک بار رخ می‌داد. علاوه بر تروریست‌ها افرادی که به خاطر فعالیت‌های غیرقانونی دستگیر می‌شدند گاهی دست به گروگان‌گیری می‌زدند به این امید که از چنگال پلیس بگریزند. یکی از مشهورترین نمونه‌های گروگان‌گیری توسط مجرمان حادثه خانه اسپاگتی بود که در سال ۱۹۷۵ سه زندانی فراری شش نفر از خدمتکاران یکی از رستوران‌های لندن را در زیر زمین آن گروگان گرفتند. مذاکره با آنها شش روز به طول کشید تا تسلیم شدند.

نمونه‌های دیگری از گروگان‌گیری در غرب و شرق کشور

توسط قاچاق‌چیان مواد مخدر گزارش شده که قاچاقچی مواد مخدر به جهت حصول اطمینان از حمل بدون مشکل مواد از مقصد تا مبدا، توسط طرف معامله یکی از افراد درجه یک خانواده طرف قرارداد را به گروگان می‌گیرد و منتظر مراحل انجام تعهد می‌ماند تا پس از انجام معامله آزادسازی صورت گیرد.

گروگان‌گیری در زندان

از اوایل سال‌های ۱۹۷۰ گروگان‌گیری در زندان‌های انگلیسی متداول شده بود. در پایان سال‌های ۱۹۸۰ بطور متوسط در هر ماه یک حادثه گروگان‌گیری اتفاق می‌افتاد. به همین دلیل برای ماموران زندان بیش از پیش اهمیت دارد که بدانند چگونه با گروگان‌گیری مقابله نمایند.

روش‌های مقابله با گروگان‌گیری

برای مقابله با گروگان‌گیری سه رویکرد را می‌توان انتخاب کرد. ۱. رویکرد سرسختانه^۱ ۲. رویکرد همراه با نرمش^۲ ۳.

رویکرد گام به گام

رویکرد سرسختانه

در رویکرد سرسختانه مداخله مستقیم صورت می‌گیرد، محلی که گروگان‌گیری در آنجا روی داده است مورد حمله قرار می‌گیرد و تلاش می‌شود بر گروگان‌گیری تسلط یابند و گروگان‌ها را نجات دهند. این رویکرد در بین کارکنان زندان و مردم عادی طرفدار دارد. در این رویکرد اقدامات به سرعت انجام می‌شود کنترل کامل بر اوضاع توسط مراجع قدرت دوباره بدست

^۱ Hard approach

^۲ The soft approach

می‌آید. و گروه‌گانگیران فوراً به سزای اعمال خود می‌رسند این شیوه موجب می‌شود که کسانی که به فکر گروه‌گانگیری هستند از تصمیم خود منصرف شوند اما متأسفانه این روش پرخطر است و ممکن است به گروه‌گان‌ها صدمه برسد و یا کشته شوند، تجربه نشان داده است این نوع مداخله برای گروه‌گان‌ها بسیار خطرناک است و مطالعه که درباره رویکرد سرسختانه در برابر گروه‌گانگیرها بعمل آمده است، نشان می‌دهد که در این روش افراد کشته شده چهار برابر بیشتر از روشی بوده است که در آن عملیات با خونسردی اجرا شده است. یکی از بارزترین نمونه این روش گروه‌گان‌گیری در زندان اتیگا (Attica) در سال ۱۹۷۳ بود در این گروه‌گانگیری گارد ملی زندان را مورد حمله قرار داد و در این درگیری ۱۵ نفر از گروه‌گان‌ها بر اثر اصابت تیر کشته شدند. وقتی گلوله‌ها از بدن اجساد خارج شد مشخص شد که گروه‌گان‌ها بوسیله اسلحه افراد گارد کشته شده‌اند به توسط گروه‌گانگیرها. رویکرد سرسختانه دارای مزیت‌هایی هم بوده است. در سال ۱۹۹۶ یک هواپیمای مسافربری در آسمان اوگاندا ربوده شد که با مداخله نیروهای ویژه موفق به آزادی گروه‌گان‌ها شدند .

یکی دیگر از نمونه‌های بارز این روش حمله به گروه‌گانگیرهای سفارت ایران در لندن بود که توسط گروه ویژه صورت گرفت، در این حمله موفق، تمام گروه‌گان‌ها بدون این که آسیب ببینند آزاد شدند و تعدادی از گروه‌گانگیرها کشته شدند. برای موفقیت در عملیات این روش مداخله دو نکته حائز اهمیت است.

اول، گروه عملیاتی باید بسیار آموزش دیده و ماهر باشند

دوم : مداخله سرسختانه ولی باید مورد استفاده قرار گیرد که معلوم شود مذاکره فایده ای ندارد. چون این روش خطرهای زیادی دارد. همیشه باید به عنوان آخرین راه از آن استفاده کرد.

رویکرد همراه با نرمش

در این رویکرد به درخواست‌های گروه‌گانگیرها گردن می‌نهند و آنچه آنها انتظار دارند انجام می‌شود. روش همراه با نرمش این مزیت را دارد که سریع غائله ختم می‌شود و قبل از اینکه گروه‌گان‌ها آسیبی برسد آنها آزاد می‌شوند، متأسفانه این روش، یعنی تسلیم خواست گروه‌گانگیرها شدن موجب شیوع گروه‌گان‌گیری می‌شود با این روش زندانیان در می‌یابند که با گرفتن گروه‌گان‌ها به خواست‌هایشان دست می‌یابند. این روش نه تنها موجب شیوع گروه‌گان‌گیری می‌شود، بلکه موجب افزایش تقاضا، انتظارات و درخواست‌های گروه‌گان‌گیران می‌گردد. اگر اتفاقاتی را که در زندان برزیل در سال ۱۹۶۹ تا ۱۹۷۰ مورد بررسی قرار دهیم ضعف این روش روشن می‌شود.

رویکرد گام به گام

ضعف و و عیوب رویکردهای سرسختانه و نرم باعث شد تا از اوایل سال ۱۹۷۰ معلوم شود که روش آرام و گام به گام می‌تواند مؤثرتر باشد. در این رویکرد مراجع مسؤل سعی می‌کنند با گذشت زمان حرکت کنند. این گذشت زمان باعث می‌شود

که عصبانیت گروگانگیرها فروکش کند، در این شرایط هیچ یک از تقاضاهای آنها مورد پذیرش قرار نمی‌گیرد بلکه از طریق مذاکره آن را به رها کردن گروگان‌ها تشویق می‌کنند. این رویکرد برای اولین بار در اسکاتلندیارد طرح ریزی گردید، ولی این اداره پلیس نیویورک بود که نشان داد تا چه اندازه این رویکرد می‌تواند موثر باشد. آنها نشان دادند که اگر در برابر گروگانگیرها قاطعانه ایستادگی کنند و به آنها اطمینان دهند که قصد مداخله ندارند. آنگاه مذاکره با آنان می‌تواند موثر واقع شود. مذاکره‌کنندگان قبل از اینکه آنها را تشویق به آزاد کردن گروگان‌ها بنمایند به تدریج با آنها ارتباط ایجاد کرده و دعوت به آرامش‌شان می‌کند. گروگانگیری در نیویورک نشان داد که این روش رویکرد فوق‌العاده موفق است.

روش گام به گام

روش گام به گام در مواردی باعث شده که با طولانی شدن مدت اسارت گروگان به تدریج در خواسته‌های خود تعدیل داده و درنهایت در بسیاری موارد گروگان را آزاد نمایند. در حالی که چیزی را به دست نیاوردند. (مانند گروگان‌گیری دکتر تیدرما توسط ارتش جمهوری خواه ایرلند که در طول ۱۸ روز اسارت، گروگان‌گیرها در ابتدا تقاضای آزادی سه زندانی را داشتند بعد از مدتی یک زندانی و بعد تقاضای آنان تبدیل به ۲ میلیون پوند شد و النهایه بدون آنکه به گروگان‌گیرها چیزی داده شود گروگان‌ها را آزاد کردند).

در سپتامبر ۱۹۶۹ تعدادی تروریست برزیلی کارکنان سفارت آمریکا را ربودند و در سال آزادی آنان درخواست آزادی ۱۵ نفر زندانی را نموده‌اند با درخواست آنان موافقت شد هشت ماه آنان کارکنان سفارت آلمان را گروگان گرفتند و در قبال آزادی آنان درخواست آزادی چهل نفر را نموده‌اند، شش ماه بعد آنان با گروگان گرفتن کارکنان سفارت سوئیس درخواست آزادی ۷۰ نفر را کردند. بدیهی است که رویکرد همراه با نرمش درخواست‌ها و توقعات گروگان‌گیران افزایش می‌یابد و گروگانگیری تکرار می‌شود.

رویکرد گام به گام در بیشتر موارد از موفق‌ترین راهبردها بوده است. گذشت زمان باعث می‌شود که گروگان‌گیرها به آرامش دست یابند و به بیهودگی کار خود پی ببرند. البته نباید تصور شود که رویکرد گام به گام روشی ساده و بی‌حاشیه است. احتمالاً مذاکره مدت زیادی طول بکشد و افکار عمومی و مسئولین و مقامات شما را تحت فشار قرار دهند که « دست بکار بنمید » و گروگان‌ها را آزاد کنید.

سناریوی کوتاه و اما مهم و واقعی

شرح مواقع: رییس زندان مرکزی شهرستان مراتب ابلاغ اجرای حکم اعدام یک زندانی خاص را به بنده اطلاع‌رسانی کرد، و در اثنای این امر از بنده درخواست نموده که نگران هیچ چیزی نباشم و زندانی در همان بند تا فردا صبح که موعد اجرای حکم بود، با مراقبت ویژه نگهداری خواهد شد. فردا ساعت ۵ صبح تلفن منزل به صدا درآمد.

رئیس اداره بازرسی اداره کل زندانها پشت خط تلفن بودند، اعلام کردند زندانی که قرار بود امروز صبح حکم اعدامش اجراء شود، یک قبضه اسلحه کمربندی وارد زندان نموده و یکی از کارکنان را هدف قرار داده و هم اکنون داخل سالن محل استراحتش هست و هیچ خبری از وضع و موقعیت وی و سایر زندانیان نداریم و زندان در شرایط بحرانی است و من الان نزدیک خانه شما هستم. دستور چیست؟ اعلام کردم: «فوراً بیا دنبال من، که با هم برویم».

به درب ورودی زندان رسیدیم، درب اصلی را باز نمی‌کردند که دستور دادم درب را باز کردند، و وارد حیاط زندان شدم. جو عجیبی بر زندان حاکم بود. پرسنل مضطرب و رنگ و رو پریده و دل نگران بی‌جهت این‌ور و آن‌ور می‌رفتند. با دیدن من آمدند سمت من، از ماشین پیاده شدم، چون تا حدودی در مسیر از خانه تا زندان توسط مسئول بازرسی در جریان چگونگی امر قرار گرفته بودم، لذا شروع کردم به روحیه دادن به کارکنان، دستی به پشت یکی از افسران زدم و گفتم: «مگه چند نفر مرده‌اند؟» با تعجب گفت: «هیچی؟! کسی نمرده». گفتم: «پس این چه وضعیتی است که تو داری؟ رنگ و روت چرا پریده؟! و...»

کمی کارکنان روحیه گرفتند و هر کدام به نوعی خیلی سریع وضع را تشریح کردند و نهایتاً اینکه مشخص شد؛ زندانی موصوف موفق شده روزهای قبل از ابلاغ اجرای حکم با اغفال یکی از کارکنان قراردادی زندان، یک قبضه اسلحه کمربندی وارد زندان کرده و خود را مسلح کند. روز حادثه، افسر اجرای حکم که برای جداسازی و آوردن زندانی مراجعه می‌کند متوجه می‌شود که نامبرده با لباس رسمی و کفش کتانی به صورت درازکش روی تخت‌خواب آماده گروگان‌گیری و یا اقدام دیگری است، که افسر مذکور قصد فرار داشته که توسط زندانی مورد هدف قرار می‌گیرد و تعداد پنج تیر جنگی به وی شلیک می‌شود و نامبرده به شدت مجروح شده و به زحمت خود را به خروجی بند رسانیده و توسط سایر زندانیان به بیرون از بند و نهایتاً به بیمارستان هدایت می‌شود.

صرف نظر از ایراداتی که به کلیت امر وارد است اعم از اینکه چه سهل انگاریها... باعث ورود اسلحه به زندان شده و چرا به محض دریافت دستور اجرای حکم نسبت به جداسازی زندانی اقدام نشده و در این مورد بخصوص اقدامات رئیس زندان در مهار بحران موفقیت آمیز بوده، یعنی ایشان واقف بوده اند که بمحض وصول خبر و یا اطلاعی که نشانه‌ای از بروز یک بحران باشد مدیر زندان باید سریعاً خود را از لحاظ اطلاعاتی و فیزیکی به بحران نزدیک کند یعنی اینکه اگر خارج از زندان است فوراً بسوی زندان حرکت کند و ضمن اینکه بسوی مرکز بحران می‌رود تا حد ممکن اطلاعات لازم را در مورد بحران و شرایط زندان کسب کرده و همچنین درخصوص راه مهار مشکل، سازماندهی امکانات، طرح اولیه را در ذهن خود ترسیم نماید و در صورتی که اطلاعات کسب شده دلالت بر بروز بحران باشد در فرصت کسب اطلاعات اولیه به صورت آنی موضوع را به مسئول مافوق و یا مسئولین قضایی و نیز مراجع انتظامی ذیربط نیز منتقل کند.

نکته حائز اهمیت اینکه رئیس زندان مراتب وقوع حادثه را به همه کسانی که باید، اطلاع داده بود. به نحوی که اطراف زندان و حتی بالای پشت بام ها در محاصره نیروی انتظامی بود و موضوع احضار پرسنل هم انجام پذیرفته بود، ولیکن اجازه

ورود به داخل را نداده و رأساً موضوع را پیگیری و هدایت و مدیریت نمود. طبعاً در این گونه موارد باید از فکر و ایده و تجربه همگان استفاده نمود ولیکن رأساً و با اقتدار تصمیم گرفت، بنابراین باید بدون توجه به اظهارات گوناگون افراد و نمایندگان مراکز متعدد با آرامش و با گذشت زمان حرکت می‌شد. این گذشت زمان باعث شد که عصبانیت زندانی فروکش کند و به نتایج این اقدام حساس و ... بیشتر فکر کند و ... در این شرایط هیچ یک از تقاضاهای وی مورد پذیرش قرار نگرفت و قول و وعده ای به وی داده نشد، بلکه از طریق مذاکره آن را به خلع سلاح و تسلیم تشویق می‌کردند. مسئولین زندان با برخورد قاطعانه و البته بدور از خشونت و با ایستادگی اولیه و آنگاه مذاکره با وی توانستند موثر واقع شده و قائله به خیر و خوشی ختم و به سرانجام برسد و زندانی خود را تسلیم مسئولین زندان کرده و حکم هم اجرا شود.

مذاکره‌کننده که خودش رئیس زندان بود و با زندانی آشنایی نسبی داشت وی را تشویق به پایان دادن به این اقدام کرده و به تدریج با طرح موضوعاتی از قبیل اینکه این اقدام وی چقدر مسئولیت و آینده رییس زندان را تحت تأثیر سوء قرار خواهد داد و اینکه رئیس زندان با مسئولیت خود وی را جداسازی نکرده و حال این رویکرد زندانی ناجوانمردانه تلقی می‌شود و اینکه مبادا خون ناحقی ریخته شود و سایر زندانیان و خانواده‌ها هم از این اقدام متضرر شوند و ... و دعوت به آرامش‌شان کرد.. و این روش رویکرد فوق‌العاده موفق بود.

در این رویکرد به درخواست‌های گروهانگیرها گردن می‌دهند و آنچه آنها انتظار دارند انجام می‌شود. روش همراه با نرمش این مزیت را دارد که سریع غائله ختم می‌شود و قبل از اینکه گروهان‌ها آسیبی برسد آنها آزاد می‌شوند، متأسفانه این روش، یعنی تسلیم خواست گروهانگیرها شدن موجب شیوع گروهان‌گیری می‌شود با این روش زندانیان در می‌یابند که با گرفتن گروهان به خواست‌هایشان دست می‌یابند. این روش نه تنها موجب شیوع گروهان‌گیری می‌شود، بلکه موجب افزایش تقاضا، انتظارات و درخواست‌های گروهان‌گیران می‌گردد. اگر اتفاقاتی را که در زندان برزیل در سال ۱۹۶۹ تا ۱۹۷۰ مورد بررسی قرار دهیم ضعف این روش روشن می‌شود.

رییس زندان با مطالعه و ارزیابی وضعیت خاص حاکم بر زندان به تناسب و اقتضاء شرایط با تکیه بر تجربیات موفق خود و دیگران و با اخذ نظرات مشورتی نیروهای میدانی صاحب تجربه باید بدون ترس از عواقب تصمیمات خود را به بهترین روشی که به نظرش می‌رسد انتخاب و عملی نماید. طبعاً شخصیت و رویکرد افراد در این زمینه ها و در نحوه تصمیم‌گیری بسیار موثر است.

باید گفت هیچ راه حل ساده ای برای حادثه گروهانگیری وجود ندارد، اما رویکرد گام به گام یکی از بهترین روش‌ها می‌باشد و در موارد نادر که خطر فرار و عدم دسترسی گروهانگیر و یا خطر آسیب‌رسانی به گروهان‌ها بسیار متصور است می‌توان از گروهان‌گیری متقابل استفاده کرد. بدین صورت که یک الی دو نفر از افراد مورد علاقه گروهان‌گیری را آورد و به او تلقی کرد که

آنان در اختیار پلیس خواهند بود. این اقدام از لحاظ حقوقی و انسانی به هیچ وجه مورد تأیید نمی‌باشد و از این اقدام به عنوان یک حربه و ترفند باید استفاده شود و نباید و نمی‌تواند به علت ارتکاب جرم کسی، فردی بیگناه دیگری را بازداشت و با آزادی‌های او را محدود کرد.

گروگان‌گیری در زندان

با توجه به سوابقی مستند گروگان‌گیری در زندانهای کشور انگلیس و بررسی حادثه و تجارت بدست آمده را کاملاً بررسی و تحلیل کرده و به سئوالات زیر پاسخ می‌دهیم:

-سئوالات:

۱. چه کسانی بیشتر در معرض گروگان‌گیری هستند؟
۲. گروگان‌گیری بیشتر در کدام بخش زندان رخ می‌دهد؟
۳. گروگان‌ها از چه سلاح‌های استفاده می‌کنند؟
۴. چه زندانیان بیشتر گروگان‌گیری می‌کنند؟
۵. چه زمینه‌هایی موجب ایجاد رفتار و تمایل سوی گروگان‌گیری می‌شود؟
۶. وظیفه اولین ماموری که شاهد گروگان‌گیری است چیست؟
۷. حالت روحی و روانی افراد گروگانگیر معمولاً چگونه است؟
۸. حالت روحی و روانی یک گروگانگیر معمولاً چگونه است؟
۹. یک گروگان چه رفتار مناسبی می‌تواند در زمان گروگان‌گیری داشته باشد؟
۱۰. گروگان‌گیری می‌تواند چه اثرات نامطلوب روحی و روانی بر گروگانها پس از آزادی داشته باشد و این اثرات بر رفتار شغلی آنان در زندان چه مقدار می‌تواند موثر باشد؟
۱۱. مداخله افراد غیر مسئول در جریان مهار بحران گروگان‌گیری چه اثرات و خساراتی را ممکن است ایجاد کند؟

- پاسخ‌ها

تحلیل آمار و اطلاعات مستند نشان می‌دهد بیشتر گروگان‌گیری داخل بند صورت گرفته که این امر به مأمورین کمک کرده تا در صورت ضرورت مداخله و بحران را به آسانی کنترل نمایند.

- بیشتر زندانیان ترجیح دادند تا مأموران زندان را به گروگان بگیرند تا افراد هم بندی خود را، زیرا آنان معتقدند که اگر هم‌بندی‌های خود را گروگان بگیرند بیشتر یک ساخت و باخت و تباری جلوه خواهد داد.
- در گروگان‌گیری‌ها انواع مختلف سلاح از جمله کارت، تیغ، تیزی، هفت تیر قلابی، سلاح وارد شده به زندان و... مورد سوء استفاده قرار گرفته است.
- در این گروگان‌گیری‌ها بندرت به رتبه گروگان‌ها آسیب جسمی وارد شده و اما موارد بی احترامی و تحقیر گروگان‌ها وجود داشته است.
- گروگان‌گیری بیشتر در میان زندانیان دارای پیشینه رفتارهای پرخطرانه و خشونت‌آمیز مشاهده شده و اغلب آنان دارای محکومین سنگین بوده‌اند و از لحاظ سنی بیشتر گروگان‌گیرها کمتر از ۲۵ سال سن داشتند.
- بیشتر حوادث گروگان‌گیری بدون نقشه قبلی و از روی عجله اتفاق می‌افتد، این حوادث بدون طرح و برنامه هستند. اما غالباً روشی است برای کنار آمدن با تجربیات ناخوشایند، مانند دریافت نامه‌ای با خبر بسیار تأسفبار و سرخوردگی و مورد بدرفتاری قرار گرفتن می‌باشد. علاوه بر این موارد فرآیند تقلید و دنباله‌روی در گروگان‌گیری مؤثر است خصوصاً این که تجارت قبلی گروگان‌گیری برای گروگان‌گیران منجر به دستیابی به اهدافشان شده باشد.
- اولین ماموری که با بحران گروگان‌گیری روبرو می‌شود نباید هرگز آغاز کننده مذاکره باشد. او نباید هیچ قولی به گروگان‌گیرها بدهد. مثلاً من رئیس زندان را اینجا می‌آورم، و یا من ملاقات شما را با فرد مورد نظر فراهم می‌کنم یا بگوید خودرو و وسیله مورد نظر شما برای فرار از زندان باید وجود داشته باشد و اگر اولین کسی که با گروگان‌گیرها روبرو می‌شود قول و تعهدی به آنها بدهد، این موضوع می‌تواند برای مذاکره‌کنندگان اصلی مشکلاتی بوجود آورد زیرا احتمال دارد آنان نتوانند با این قول‌ها و تعهدات عمل کنند و این موضوع گروگان‌گیرها را عصبانی کند و در نتیجه گروگان‌ها صدمه وارد نمایند.
- وظیفه اولین ماموری که با گروگان‌گیری مواجه می‌شود کسب اطلاعات دقیق حادثه و انتقال درست آنها به مافوق است یک گزارش ارزشمند که حداقل باید حاوی اطلاعات زیر باشد چند نفر به گروگان گرفته شده‌اند، گروگان‌گیرها چند نفر هستند و چه مشخصات دارند در کجا پناه گرفته‌اند؟ آیا سنگر ساخته‌اند یا خیر چه نوع اسلحه‌هایی دارند جو اطراف گروگان‌گیری و افراد شاهد چگونه است؟
- مأمور اگر نتوانست از ابعاد گروگان‌گیری اطلاعات دقیقی کسب کند نباید به حدس و گمان متوسل شود. این کار موجب سردرگمی و انحراف از ارزیابی مسئول مافوقی خواهد شد که تصمیم‌گیری را دچار اشتباه خواهد کرد.
- باید دانست که حادثه گروگان‌گیری برای گروگان‌ها تجربه پراسترس و پرفشاری است این تجربه برای گروگان‌گیرها هم پراسترس است اما نه به اندازه گروگان‌ها، در آغاز حادثه گروگان‌گیرها مضطرب و آشفته به نظر می‌رسند و بسیار هیجان زده هستند و ممکن است احساس کنند بسیار نیرومندتر می‌باشند آن‌ها از حالت یک زندانی که اراده‌ای بر مسائل زندگی خود ندارد

فرا تر رفته و تصور می‌کنند به فردی تبدیل شده‌اند که با تهدید گروگان خود به هرچه می‌خواهند دست می‌یابند گروگان‌گیرها به ویژه در مواردی که با حمله ناگهانی دست به گروگان‌گیری زده باشند بیشتر احساس استرس و تنیدگی می‌کنند و بسیار غیر عادی به نظر می‌آیند در این حالت بسیار آشفته و هراسان هستند و با هر صدای ناآشنایی از جای می‌پزند و ممکن است غیرمنطقی رفتار کنند. در این مواقع باید تامل کرد که آنها به حالت طبیعی خود بیشتر نزدیک شوند. در این اوضاع سپری شدن زمان بزرگترین عامل نزدیک شدن گروگان‌گیرها به حالت طبیعی و منطقی است.

- اما یک مأمور زندان به گروگان گرفته شده باید بداند چگونه دوران هیجان و پرتنش رفتاری گروگان‌گیرها را سپری و مهار کند، او نباید دست به کارهایی بزند که احتمال دهد گروگان‌گیرها خشمگین می‌شوند و او نباید آنها را تهدید و یا تحقیق کند، باید عصبانیت و خشم خود را کنترل کند و سعی کند با او همیاری نموده و به گفتگو بپردازد.

سکوت و خشم گروگان یک اشتباه بزرگ است او باید بداند که بزرگترین سلاح مقابله گروگان‌گیرها و گفتگو می‌تواند باشد. او با گفتگو می‌تواند به آرام شدن آنها کمک کند او می‌تواند به آنها نشان دهد که یک انسان است نه یک شی که بتوان او را معاوضه کرد و یا به او آسیب رساند تا به اهداف خود برسند او باید صحنه را با همنوایی شروع کند و این همنوایی از نقطه عصبانیت و نارضایتی گروگانها می‌تواند با یک مقدمه کوتاه و مفید شروع شود مثلاً «درست می‌گی غذا واقعاً افتضاح» و یا «وقت آن رسیده که بالاترها یک فکری به امر ملاقات‌ها بکنند» و امثالهم و هرگاه فرصتی دست داد درباره خودتان با او صحبت کنید یعنی چیزهایی بگوئید که باعث برقراری یک رابطه عاطفی شود. به عنوان مثال اگر او درباره همسر و خانواده‌اش شروع به صحبت کرد شما هم سعی کنید چیزهایی درباره آن بگوئید و به این ترتیب شما به ایجاد تفاهم کمک کرده‌اید و او را وامی دارید به شما به چشم یک انسان ببینند و این حالت امنیت شما را بیشتر تامین می‌کند.

بطور غیر مستقیم از سیستم بوروکراسی و ناتوانی مسئولین زندان در تصمیم‌گیری سریع، زمینه‌سازی لازم را به طبیعی بودن تأخیر مذاکره‌کنندگان القا کنید و در این القاء لحن شما انتقادی توأم با تحقیرآمیز و طبیعی می‌باشد.

مأمور گروگان گرفته شده ممکن است وسوسه شود تا دست به اقدامی بزند که به گروگان‌گیرها مسلط شود. توصیه می‌گردد که او این کار را نکند چون در صورت شکست به احتمال زیاد به او آسیب می‌رسانند. اما این امر نباید باعث شود تا رفتار مأمور توأم با ترس و بزدلی باشد بهتر است در صورت اقدام مطمئن شود احتمال موفقیت زیاد و قطعی است. در غیر این صورت ریسک کردن خطر بزرگی بوده که گروگان‌ها را عصبانی خواهد کرد و به موقعیت و سلامت او لطمه وارد خواهد آمد و در مجموع نه به موقعیت خود کمکی نکرده و نه به افرادی که در حال مذاکره هستند.

مأمور گروگان گرفته شده باید روحیه خود را حفظ کند و به خود این حقیقت را القاء کند که در حوادث گروگان‌گیری با مذاکره به نتیجه رسیده است. در گروگان‌گیری در زندان باید از مداخله افراد اضافه واقعا خودداری کنید، زیرا در صورت گروگان‌گیری و سیل کارکنان زندان بسوی محله حادثه ۱- باعث بزرگ‌نمایی غیر واقعی گروگان‌گیری می‌شود. ۲- شرایط برای بازگشت و

انصراف گروگانگیران سخت‌تر می‌گردد. ۳- عصبانیت و تشدید فشارهای روانی به گروگان‌گیران افزایش می‌یابد و انجام مداخله غیرمنطقی و افراد زائد برای مذاکره‌کنندگان مضر است و ایزوله نمودن محیط و محدود نمودن مسیرهایی بسوی محل حادثه و خلوت کردن محیط و حاکم شدن جو آرامش و تمرکز بر روی حادثه موجب افزایش دقت در تصمیم‌گیری خواهد شد.

همچنین ممکن است مداخله عوامل خارجی نیز بر تشدید اوضاع کمک کند این عوامل ممکن است رسانه‌ها باشند. رسانه‌ها در طولانی شدن گروگان‌گیری با «خبرسازی هیجانی» یک عامل فشار به مسئولین هستند که آنها را بسوی رویکرد سخت و مداخله‌گرانه سوق می‌دهد و آنها اهرم فشاری می‌شوند تا مسئولین ترغیب شوند هرچه زودتر از بحران عبور کند.

برخی موارد گروگان‌گیرها اخبار رادیو و تلویزیون محل را دنبال می‌کنند و گاهاً گروگان‌گیرها از گزارش‌های ناچور و اطلاعات سوئی که علیه گروگان‌گیران پخش می‌شود عصبانی شده و عکس‌العمل نشان می‌دهند.

یکی دیگر از مداخله‌های دردرس آفرین، حضور افراد خونسرد در کانون بحران می‌باشد که گاه با اعمال خود خطرات برای گروگان‌گیران را افزایش می‌دهند و به عنوان نمونه در جریان گروگان‌گیری در اروپا و خبرنگاری با هلی‌کوپتر برای بالای سر محل گروگان‌گیری پرواز کرد و مهاجمان بتصور حمله و اقدام نظامی پلیس برآشفته شدند و...

باید دانست که در گروگان‌گیری عبور از بحران و آزادی گروگان‌ها پایان ماجرا نمی‌باشد. یک مدیر زندان باید تغییرات روانی متحمل بر رفتارهای اجتماعی و شغلی وضعیت روحی مأمور زندان بعد از گروگان‌گیری آشنا باشد و بتواند در صورت پدیدار شدن هر عارضه‌ای به موقع تشخیص داده و راهکار صحیح را برای کمک به این مامورین ارائه نماید. تغییرات روانی حتی اگر زمان گروگان‌گیری کوتاه باشد می‌تواند بروز کند در این امر شدت حادثه عامل تعیین‌کننده می‌باشد نه مدت حادثه. بروز برخی از مشکلات در مأمور زندان پس از حادثه گروگان‌گیری قابل پیش‌بینی می‌باشد مثلاً ممکن است مأمور دچار کابوس شبانه شوند، و حتی برخی نیز رویاهای روز^۱ ترسناکی را درباره آنچه در دوران اسارت بر آنها گفته است احساس می‌کنند. ترس‌های موضعی^۲ و هراس در بین آنها ممکن است شایع شود. در یک حادثه گروگان‌گیری در قطار و پس از خاتمه ماجرا ۱ از گروگان‌ها دیگر تمایل به سوار شدن قطار را نداشتند در زندان نیز برخی از مأموران زندان پس از خاتمه گروگان‌گیری دریافتند نمی‌توانند به زندان یا بندی که حادثه در آن روی داده است برگردند. گاهی احساس می‌کنند کسی آنها را زیر نظر دارد و تهدید می‌کند و با یک صدای ناگهانی می‌ترسند که حادثه گروگان‌گیری دیگری رخ دهد.

برخی از تغییرات رفتاری گروگان‌شدگان چندان آشکار نیست. برخی از آنان از این که آسیب‌پذیرید عمیقاً متأثر می‌شوند و بتدریج احساس افسردگی در آنها ایجاد می‌شود احساس شایع دیگری در برخی از گروگان‌ها پس از آزادی وجود دارد احساس گناه است آنها ممکن است نسبت به آنچه انجام دادند و یا نمی‌باید در طول گروگان‌گیری انجام می‌دادند احساس گناه می‌کنند،

^۱ Day Dream

^۲ Phobias

بعضی هم ممکن است از اینکه با ربایندگان درگیری نشده‌اند و فرصتی برای فرار نیافته‌اند احساس شرمندگی نمایند و برخی هم از این که به گریه افتادند و به مهاجمان التماس کردند به آن‌ها رحم کند احساس شرمندگی می‌کنند، فکر این که با همکارانی که این چیزها را می‌دانند روبرو شوند وحشت دارند و باعث شرم آنان می‌شود البته آسیب‌های روانی به خانواده گروگان و همچنین بحث ایجاد احساس مثبت گروگان به اهداف گروگان‌گیران (اثر استکهلم) نیز در باب گروگان‌گیری موضوع مهمی است که به علت فرعی بودن آن با موضوع بحث گروگان‌گیری در زندان از طرح آنها چشم‌پوشی می‌شود.

۱۵-۶- بروز بیماری خاص در زندان

حفظ سلامت زندانیان خصوصاً سلامت جسمی آنان از وظایف و خدمات اصلی اداره زندان محسوب می‌شود جهت آشنایی مدیران زندانها با مقوله سلامت جسمی انسان بصورت مختصر اطلاعات اجمالی ارائه و آنگاه موارد بحران را در زندان در این پایه اشاره می‌شود، بیماری دلالت به شرایطی دارد که جسم انسان را مریض کرده و عملکرد طبیعی بدن را به هم می‌زند **فرهنگ Webster بیماری را حالتی که طی آن سلامت بدن کاهش یافته و از وضعیت سلامتی و سالم بودن دور شده باشد و تغییر وضعیت بدن موجب قطع عملکرد اعمال حیاتی شود تعریف می‌کند.**

در خصوص عوامل مؤثر در بیمارها می‌توان به ۱- عوامل بیماری‌زا زیست‌شناسی ناشی از موجودات زنده‌ای مانند ویروس‌ها، میکروبه‌ها و... ۲- عوامل فیزیکی مانند گرما و سرما، فشار، پرتوها و... ۳- عوامل تغذیه‌ای مانند عدم تعاون مصرف چربی‌ها و مواد معدنی، آب... ۴- عوامل شیمیایی درون‌زا مانند تلقیح و مواد آزرژی‌زا و... ۴- عوامل مکانیکی مانند تماس با نیروهای مکانیکی که موجب له‌شدگی، پارگی و... می‌شود. ۵- عوامل شیمیایی درون‌ریز مانند عملکرد غدد داخلی ۶- کمبود یا افزایش و یا نبود یک عامل لازم برای سلامتی مانند نقایص قلبی و کروموزومی ۷- عوامل اجتماعی بیماری‌زا مانند اعتیاد، عوامل عاطفی، تربیتی، فقر و... را نام برد.

البته شیوع برخی از بیماری‌های واگیردار مانند سل، HIV، هپاتیت و... در زندان می‌تواند نگران‌کننده باشد و یا زمانی که برخی از زندانیان حامل این بیماری قصد سوء استفاده از بیماری خود و تهدید دیگران باشند (مانند پاشیدن خون زندانی دارای HIV در خودزنی به سایر زندانیان یا مأمورین...) ممکن است نا آرامی‌های پدید آورد اما وجود این نوع بیماری‌ها در اکثر زندانهای دنیا موجب شده تا جهت شناسایی و درمان و نگهداری این بیماران تدابیر لازم اندیشیده شده باشد و خطر بحران‌زایی این بیماری‌ها با افزایش اطلاعات مسئولین و خدمات بخشی درمانی و مشاوره زندانها روز به روز تقلیل می‌یابد.

اما آنچه در یک زندان در باب سلامت زندانیان می‌تواند بحران‌زا باشد شیوع بیماری‌های پرخطر با قدرت شیوع سریع می‌باشد مانند بیماری منتزیت، ابتلاء عمومی زندانیان به مسمومیت غذایی و یا تنفسی فراگیر به برخی از موارد شیوع بیماری‌های

وبا و ساوس و امثالهم می‌باشد. در این موارد بحران امنیتی ایجاد نمی‌شود اما شیوع این نوع بیماری‌ها سایر خدمات زندانها را تحت الشعاع قرار داده و باید مدیر زندان به عنوان مدیر بحران جهت مهار بیماری و درمان عمومی زندانیان کلیه خدمات درمانی زندان و مراکز درمانی تخصصی را بسیج نماید تا از بروز تلفات در زندان در حد ممکن جلوگیری نماید. بروز و درمان این بیماری‌ها به لحاظ حساسیت خطرات جسمی که محتمل است می‌تواند بحران زا باشد، اما این بحران پیش از آن که اصل بحران مسئله ساز باشد حواشی و مشکلات پس از مهار آن مسئله ساز بحران زا خواهد بود که در باب مطالب طرح شده در خصوص نحوه مدیریت پس از بحران که در فصل بعدی ارائه می‌شود می‌تواند مفید واقع شود.

۱۵-۷- فرار از زندان

فرار زندانیان از زندان تحت هر شرایط و به هر صورت برای زندان یک بحران محسوب می‌شود. با وقوع فرار توانایی فیزیکی زندان به آمادگی و قدرت عوامل انتظامی زندان خدشه دار می‌گردد و در سایر زندانیان انگیزه برنامه‌ریزی برای فرار ایجاد شده و مقامات مسئول در قبال زندان و افکار عمومی در مورد نحوه اداره زندان و سلامت و عدالت و توانایی کارکنان زندان احساس تردید خواهند کرد و در صورت تکرار چند مورد فرار مشابه و یا فرار در مدت زمانی کوتاه و یا فرار زندانیان مهم و یا خطرناک از زندان، بحران حادث شده و در زندان جهت جلوگیری از تصاعد دامنه بحران نیاز به اقداماتی برای مهار بوده و در این شرایط مدیریت بحران باید اعمال شود.

در بسیاری از کشورها دستگیری زندانی متواری از وظایف و حیطه اختیار پلیس محسوب شده و مأمورین زندان نقش همکاری در سطح اقدامات اولیه را بعهده دارند. در هر صورت چه مأمورین زندان در دستگیری زندانیان متواری مسئولیت داشته باشند و چه نداشته باشند، باید دانست که موفقیت در دستگیری زندانیان متواری بستگی غیر قابل انکاری به اقدامات اولیه زندان دارد که ذیلاً فرآیند این اقدامات در زندان شرح داده می‌شود.

مرحله اول : چگونگی فرار زندانیان

مدیر زندان پس از اطلاع از خبر فرار زندانیان باید از بالاترین مسئول در زندان گزارش فوری در مورد چگونگی فرار کسب نمایند. این گزارش باید حاوی نحوه فرار، زمان فرار و تعداد و مشخصات اولیه زندانیان متواری و آسیب‌های وارده به سیستم دفاعی و سلامت مأموران زندان و زندانیان متواری و اموال خارج شده از زندان توسط متواریان باشند.

مرحله دوم : مسدود شدن مسیر فرار

دومین اقدام مدیر زندان باید اطمینان حاصل نمودن از مسدود شدن مسیر فرار برای جلوگیری از فرار سایر زندانیان و افزایش آمادگی مأمورین زندان برای مقابله با هرگونه تحرک سوء زندانیان باشد.

مرحله سوم: همکاری در دستگیری زندانیان متواری

چون در دستگیری زندانیان متواری زمان نقش اساسی را ایفا می‌کند و هر چه از زمان فرار زندانیان بگذرد امید به دستگیری در آنها کاهش و عملیات و اقدامات دستگیری باید وسیع‌تر، پرهزینه‌تر و مشکل‌تر می‌گردد. لذا به محض کسب اطلاعات مراحل اول و دوم و مدیر زندان باید با توجه به اطلاعات اولیه با استفاده از مأمورین و امکانات موجود اکیپ‌هایی جهت دستگیری زندانیان در حریم زندان و یا حریم اطراف آن اعزام نماید.

در این مرحله ضمن اعلام خبر فرار به مسئولین قضایی و انتظامی و جلب همکاری‌های آنان مدیر زندان باید احدى از همکاران ذیربط و کارآمد خود را فوراً مأمور جمع‌آوری اطلاعات تکمیلی در مورد دستگیری زندانی کند و اطلاعات جمع‌آوری شده را بصورت مستمر دریافت داشته تا توسط اکیپ مأمورین زندان و یا مأمورین پلیس مورد استفاده قرار گیرد.

این اطلاعات شامل:

۱- مشخصات کامل زندانیان متواری (نام و نام خانوادگی، نام پدر، سن، وضعیت ظاهری، عکس آنان، نوع جرم، تعداد سابقه و ...)

۲- گزارش نحوه فرار آنان میزان امکانات در اختیار آنها (اسلحه سرد و یا گرم، میزان وجوه نقد، خودرو، همراهان آنان (گروگان‌های احتمالی) ...)

۳- شناخت اهداف از فرار و انگیزه‌ها و مقصد احتمالی متواریان.

۴- تعیین راه‌های احتمالی مسیر حرکت فرار و کسانی که احتمالاً به آنها پناه و امکانات می‌دهد (براساس اطلاعات کسانی که به ملاقات زندانیان متواری به زندان مراجعه می‌کردند، تماس‌های تلفنی متواریان از زندان یا افرادی که هم جرم آنها بود، آزاد شده و یا دستگیری نشده‌اند و دوستان و بستگان متواریان ...)

۵- مصاحبه و بازجویی از دوستان زندانیان متواری که در زندان بسر می‌برند.

۶- پیشنهاد در مورد تعیین محدوده حلقه محاصره (با گماردن مأمورین در مسیر راه‌های ارتباطی فرودگاه، ترمینال‌های مسافری، بندر ...)

مرحله چهارم: اقدامات پس از بحران

در صورتی که زندانیان متواری دستگیر و به زندان عودت شوند، مسلماً این امر در تقویت امنیت زندان‌ها و مهار بحران بسیار مؤثر واقع خواهد شد اما بعد از گذشت زمانی کافی چنانچه فرار بعدی صورت نپذیرد مرور زمان اثر سوء فرار را کم‌رنگ خواهد ساخت. لذا پس از فرار باید با دقت و با وسواس و با جدیت جهت پیشگیری از تکرار فرار در زندان بررسی و برنامه‌ریزی کرد.

۱۵-۸- سوانح و حوادث در زندان

بروز سوانحی چون بروز حریق و آتش‌سوزی در زندان، ریزش ساختمانی، ایجاد انفجار در مخازن سوخت و یا تأسیسات گرمایش و ... و یا حوادث و بلاهای طبیعی چون وقوع سیل، طوفان، زلزله و ... در زندان‌ها دارای دو اثر مستقیم و غیرمستقیم می‌باشد. اثر مستقیم این وقایع اثرات طبیعی آنها بر محیط و انسان‌ها می‌باشد که در زندان نیز مانند جامعه اثرگذار می‌باشند و اثر غیرمستقیم این وقایع در زندان‌ها مربوط به شرایط خاص زندان است مسلماً این حوادث ایجاد ترس و وحشت نموده و انسان‌ها بطور طبیعی از کانون و محیط این حوادث می‌گریزند. اما در زندان‌ها، زندانیان محدود و محصور هستند و خودشان را آسیب‌پذیرتر از انسان‌های خارج از زندان دانسته و همین امر می‌تواند موجب بروز ناآرامی در زندان گردد.

برخورد منطقی با هراس و ترس‌های طبیعی و انجام پیش‌بینی‌های لازم برای ایمن‌سازی سلامت زندانیان در زمان وقوع این حوادث می‌تواند از بروز هراس‌های واهی و یا تنش‌زایی و ترویج بی‌نظمی در زندان توسط برخی از زندانیان محرک جلوگیری نماید.

در زمانی که خطر وقوع زلزله و سیل، طوفان و ... قطعی بوده و یا به وقوع پیوسته ساختمان زندان آسیب وارد شده و به علت حوادث ایجادشده برای حفظ سلامت زندانیان تعدادی و با هم آنها باید از محیط زندان خارج شوند. مدیر زندان با هماهنگی کامل مراجع قضایی و مسئولین مافوق خود باید جهت این انتقال چاره‌اندیشی و اتخاذ تصمیم نماید.

در این انتقال باید ابتدا مشخص شود که زندانیان را باید تا چه حد و فاصله‌ای منتقل کرد. آیا انتقال آنها به داخل شهر و یا حریم مناسب است و یا ناگزیر باید آنها را به شهر دیگری منتقل کرد.

دومین شاخص مهم در این تصمیم‌گیری پیش‌بینی مدت انتقال زندانیان است. آیا این انتقال کوتاه‌مدت (حداکثر ۱۰ الی ۱۵ روز) و میان‌مدت (چند ماه) و یا مدت زمان بیشتری جابجایی زندانیان طول خواهد کشید.

در انتقالات کوتاه‌مدت و داخل حوزه شهری باید با توجه به نیازهایی چون (مکانی با شرایط عمومی نگهداری جمعی، امنیت مناسب) در مورد آسایشگاه‌های خالی واحدهای نظامی-انتظامی، خوابگاه‌های دانشجویی با ضریب حفاظت فیزیکی مناسب، اماکن اردویی، سالن‌های ورزشی سرپوشیده و ... موجود در شهرستان بررسی و جهت انتقال فوری زندانیان شرایط آنها مورد ارزیابی قرار گیرد و با عنایت به اینکه مهار بحران در این حوادث مستلزم همکاری بالاترین مقام‌های سیاسی و اداری شهر، مسئولین انتظامی امنیتی و قضایی می‌باشد، مدیر زندان باید بتواند به فوریت حساسیت و اهمیت موضوع را به بالاترین مقام‌های تصمیم‌گیر در این ارکان منعکس نمود و به نحوی عمل نماید که مشکل از سطح زندان به مشکل شهر تبدیل شود و زندان جهت این جابجایی ضروری با آنها همکاری نماید. در این صورت تهیه فضا، تعمیرات فوری، تأمین وسایل ایاب و ذهاب، تأمین

مأمورین مراقب، ایجاد واحدهای خدماتی سیار و ... به کمک مسئولین شهری در کوتاه‌ترین مدت و به بهترین نحوه انجام خواهد شد.

در انتقالات بلندمدت و خارج از حوزه شهری، در این جابجایی تعیین مقصد زندانیان بعهده سازمان مرکزی اداره‌کننده زندان‌ها می‌باشد و معمولاً در صورت وجود ظرفیت خالی نزدیک‌ترین شهر دارای زندان و یا در صورت عدم ظرفیت، تعداد زندانیان منتقله بین زندان‌های شهرهای اطراف تقسیم می‌شوند و انتقال و جابجایی این زندانیان نیز با همکاری مسئولین اداری و سیاسی و انتظامی و با اخذ مجوزهای قضایی صورت خواهد گرفت.

در این ارتباط در آئین‌نامه و مقررات قانونی زندان‌های ایران در تبصره ۴ ماده ۲۳۴ تصریح شده است «در صورت تراکم بیش از حد جمعیت کیفری در یک زندان، یا بروز حوادثی نظیر زلزله، آتش‌سوزی یا ابتلاء به بیماری‌های واگیردار و حاد و وضعیت خاص معیشتی و خانوادگی، رئیس سازمان زندان‌ها می‌تواند نسبت به انتقال محکومان به زندان‌های مجاور اقدام نماید.» همچنین در برخی از سوانح مانند از مدار خارج شدن خدمات تأسیسات و آشپزخانه و یا بروز اپیدمی بیماری‌های خاص در زندان، مدیر زندان می‌تواند با تأمین واحدهای خدماتی صحرائی (امدادی) مانند آشپزخانه‌های سیار، بیمارستان‌های سیار و ... خدمات موردنیاز و ضروری و حیاتی زندانیان را با کمک از واحدهای نظامی و امدادی بصورت کوتاه‌مدت تا برقراری خدمات سرویس‌ها زندان برقرار نماید.

۱۵-۹- دسترسی زندانیان به سلاح گرم

ورود غیرمجاز سلاح گرم به داخل زندان و احتمال دسترسی زندانیان، یک عامل بحران‌زا در زندان محسوب می‌شود. در این مواقع باید ضمن تشکیل جلسه امنیتی فوری اقدامات اولیه زیر را انجام داد:

۱- بررسی و ارزیابی خبر و گزارش واصله

۲- تعیین محدوده وجود احتمالی سلاح در زندان

۳- پیش‌بینی زندانیانی که استفاده‌کنندگان احتمالی سلاح باشند.

۴- بررسی اهداف احتمالی استفاده‌کنندگان دارندگان سلاح

۵- تعیین زمان‌های احتمالی مناسب برای اقدام دارندگان سلاح

در صورت احتمال ورود سلاح پس از ترسیم کلیاتی از بحران که می‌تواند حادث شود، سه اقدام همزمان و همسو باید آغاز گردد.

اقدام اول: تلاش برای انجام کار اطلاعاتی غیرمحسوس برای کسب اطلاعات بیشتر برای روشن شدن موارد پنهانگانه فوق‌الذکر.

اقدام دوم: افزایش ضریب آمادگی و هوشیاری برای مقابله احتمالی بدون ایجاد حساسیت‌ها و بدون انجام اقدامات آشکار.

اقدام سوم: آمادگی لازم در مسئولین زندان جهت عدم گروگانگیری در محل و محدوده تعریف‌شده خطر و همچنین حذف برنامه‌های بازدید مسئولین و مقامات خارج از زندان در مسیر خطر تا رفع نگرانی امنیتی حادث شده. پس از اینکه اطلاعات جمع‌آوری شده که محدوده خطر و تعداد افراد مشکوک دارنده سلاح را به حداقل رساند می‌تواند عملیات کشف سلاح را برنامه‌ریزی کرد در برنامه‌ریزی عملیات کشف توجه به موارد زیر ضروری است.

۱- هماهنگی کامل با مسئولین قضایی و مافوق اداری و کسب مجوز از آنان

۲- تعیین طرح عملیات با توجه به شاخص‌های زیر:

- عملیات باید در زمانی انجام شود که اکثر زندانیان در وضعیت استراحت و در حالت غیر آماده و غیرمتمرکز باشند.
- مدت عملیات باید به نحوی طراحی گردد که عملیات در حداقل زمان ممکن به اهداف خود برسد.
- نوع عملیات باید غافلگیرکننده باشد که افراد مشکوک فرصت استفاده از سلاح را علیه نیروهای عمل‌کننده و یا گروگانگیری از زندانیان را بدست نیاورند.
- نوع عملیات باید خاصیت محاصره‌کننده را داشته باشد که از مداخله سایر زندانیان و ایجاد درگیری و اغتشاش پرهیز شود.
- نوع عملیات باید پوششی باشد که در صورت عدم کشف سلاح در محل‌های موردنظر زندانی دارنده سلاح از لو رفتن موضوع آگاه نشود.

در این موارد می‌توان کشف سایر موارد غیرمجاز مانند مواد مخدر را هدف ظاهری عملیات قرار داد و بنحوی به ظاهر عمل کرد که با سایر عملیات کشف و مبارزه با مواد مخدر تفاوت نداشته باشد.

- در یک نوع از این عملیات‌ها گاهی بنحوی برنامه‌ریزی می‌شود که زندانیان موصوف بنحوی از سایر زندانیان جدا شده و به محل دیگری دلالت گردند و در آن محل بازرسی بدنی می‌شوند و همزمان اتاق و اشیاء و محل احتمالی اختفاء سلاح نیز بازرسی گردد.

- مأمورین عمل‌کننده باید ملبس به جلیقه‌های ضدگلوله باشند.

بدیهی است عدم دقت در طراحی عملیات، انجام اقدامات خودسرانه، انجام اقدامات آشکار غیرمعمول و ... خطر بروز تلفات و یا گروگانگیری و بروز بحرانی خطرناک‌تر را محتمل می‌سازد.

۱۵-۱۰- شورش در زندان

شورش یکی از حادثترین شرایط بحرانی در یک زندان محسوب می‌شود. البته هرگونه بی‌نظمی، درگیری دستجمعی و اغتشاش در زندان نمی‌تواند شورش تلقی کرد. هریک از موقعیت‌های ذکرشده شرایط و خصوصیات خاص خود را دارد که تفکیک و جداسازی علمی آنها کمک مؤثری بر نحوه کنترل و مهار آنها ایفاء می‌کند بروز خشونت و ناآرامی‌های شدید در زندان می‌تواند این‌گونه تقسیم‌بندی کرد:

۱- ناآرامی

۲- اغتشاش

۳- شورش

۴- سقوط

ناآرامی:

بروز ناهنجاری و اعمال خشونت‌آمیز در یک زندان است که می‌تواند در دو شکل بروز کند.

الف) ناآرامی عمومی ب) ناآرامی خاص

ناآرامی عمومی: در وضعیت بروز بی‌نظمی عمدی زندانیان، بروز رفتارهای اعتراض‌آمیز (مانند ایجاد سروصدا)، بی‌اعتمادی عمومی به سلامت و یا صداقت و یا حسن تدبیر مسئولین زندان حادث می‌شود.

ناآرامی خاص: بروز رفتارهای خشونت‌آمیز و اعتراض‌آمیز در نوع خاصی از زندانیان و یا بخشی از ساختمان محل نگهداری زندانیان رخ می‌دهد.

اغتشاش:

مرحله حادی از ناآرامی است که زندانیان رفتارهای خشونت‌آمیز و اعتراض‌گونه خود را بصورت عمومی ظاهر کرده و براساس افعال آنها، کنترل بخشی از زندان بدست زندانیان درآمده و عملاً مأمورین زندان و زندانیان در مقابل هم قرار می‌گیرند لیکن این وضعیت کل زندان را تحت‌الشعاع خود قرار نمی‌دهد.

شورش:

وضعیتی است که اغتشاش سراسر زندان تحت‌الشعاع خود قرار داده و زندانیان در جنبه‌های مختلف موجب بروز خسارت، آسیب و خطر می‌شوند که این جنبه‌ها معمولاً عبارت از:

۱- تصرف و کنترل امور داخلی زندان

۲- گروگانگیری و یا اخراج کارکنان زندان پس از ایراد حد و ضرب و شتم و خلع سلاح آنها از پوسته داخلی زندان

۳- تخریب گسترده اموال و تجهیزات زندان

۴- ایجاد حریق بخش‌های عمومی زندان (کتابخانه، سینما، بیمارستان، ...)

۵- سرقت از فروشگاه و از بیمارستان و کارگاه‌های زندان و همچنین سرقت برخی از اموال سایر زندانیان)

۶- تسویه حساب با زندانیانی که با مأمورین زندان همکاری داشته و یا مخبر آنان بودند و یا تسویه حساب شخص بین

زندانیان با ایراد صدمه جدی به آنان

۷- انجام برخی از حمله‌ها و تعرض جنسی به افراد آسیب‌پذیر

۸- حمله به زندان زنان (در صورت قرار داشتن بخش نگهداری زنان زندانی در پوسته داخلی زندان) با انگیزه‌های مختلف

۹- بروز درگیری وسیع داخلی بین زندانیان مهاجم و زندانیان که در شورش دخالت نداشته و یا در مقابل آن مقاومت

می‌کنند.

۱۰- ایجاد سنگربندی برای مقابله فیزیکی با نفوذ مأمورین ضدشورش به داخل زندان و ایجاد جان‌پناه در تیراندازی‌ها.

۱۱- اقدام جهت تصرف انبارهای زندان و آشپزخانه زندان برای تأمین مایحتاج غذایی در زمان محاصره.

۱۲- اقدام جهت حمله به کارگاه‌ها و اسلحه‌خانه زندان جهت تهیه ابزار و سلاح مقابله فیزیکی با مأمورین ضدشورش.

۱۳- تهیه اشیاء قابل پرتاب (مانند سنگ، خرده فلز و ...) برای مقابله فیزیکی با مأمورین ضدشورش.

در حوزه آموزش نیروهای یگان ویژه آنچه که در این زمینه باید به آموزش‌گیرنده‌ها انتقال داده شود این است که هر شیئی

که از سوی زندانیان به سوی مأمورین پرتاب می‌شود باید جمع‌آوری و به دور از دسترس زندانیان منتقل شود که در این صورت

به مرور زندانیان خلع سلاح می‌شوند و گرنه اگر همان اشیاء و مجدداً به سوی آنها پرتاب شود همراه آنها اشیاء مورد نیاز را در

دسترس خواهند داشت.

۱۴- اقدام جهت ایجاد روزنه و منفذی برای فرار از زندان از طریق برخورد فیزیکی با مأمورین آن ناحیه و یا فرار بوسیله

گروگانگیری.

سقوط

مرحله‌ای از شورش است که زندانیان بر مأمورین ضدشورش غالب شده و پس از تخریب وسیع، ایراد خسارت مالی و جانی

گسترده موفق به فرار دستجمعی تعداد قابل توجهی از زندانیان شده (خصوصاً عوامل محرک و فعال در شورش) و زندان برای

نگهداری زندانیان مناسب نبوده و تعداد باقیمانده زندانیان ناچاراً باید به زندان دیگری منتقل شوند تا عملیات بازسازی و مرمت و

تعمیرات اساسی زندان آغاز شود.

مراحل مهار بحران شورش در زندان

- شورش در ابتدا مانند یک شعله آتش روشن می‌شود. در صورتی که بموقع شناسایی و بصورت صحیح اطفاء شود زمان وقوع شورش به تأخیر افتاده و این همان زمانی است که می‌توان با مدیریت صحیح عوامل بروز شورش را شناسایی و با تدبیر نواقص اداره زندان را رفع کرد که تا از حادثه قریب‌الوقوع شورش جلوگیری کرد.

- معمولاً شورش‌ها با یک محرک خارجی ایجاد می‌شود این محرک مانند ایجاد جرقه در مخزن باروت اثر می‌کند. بیشتر این تحریکات از اعمال مأمورین و یا برخوردها و موضع‌گیری مسئولین زندان و یا اتخاذ تصمیمات مسئولین بالاتر که موجب اعمال محدودیت شدید و غیرمنتظره برای زندانیان می‌شود حادث می‌گردد.

البته باید اذعان کرد هر محرک خارجی نامطلوب برای زندانیان ممکن است موجب بروز ناهنجاری (ناآرامی، اغتشاش) در زندان گردد. اما تبدیل این وقایع به وضعیت شورش فقط در دو حالت میسر است. حالت اول آنکه نارضایتی در میان زندانیان عمومیت داشته و مسوولین زندان در جهت رفع ابهامات و نارضایتی زندانیان برخوردهای منطقی و تدبیر لازم را اعمال نداشته و یا حادث شدن یک محرک خارجی به بهانه ای برای اظهار نارضایتی عمومی برای زندانیان فراهم می‌شود. حالت دوم آنکه با بروز یک محرک خارجی مأمورین زندان به بدترین وضعیت و با برخوردهای غیرمنطقی عاملی شوند تا شعله کوچکی تبدیل به آتشی گسترده گردد و یک نارضایتی ساده بسرعت به ناآرامی و اغتشاش و گاهی به شورش تبدیل شود.

بیشتر تحریکات حاصله از برخورد غیر منطقی مأموران مقابله غیرصحیح با رفتارهای خشونت آمیز زندانیان است این خشونت‌ها می‌تواند در میان زندانیانی بروز کند که برخی از آن‌ها آماده اند که برای برقراری قانون جنگل در محیط زندان دست به هر کاری بزنند. هر قدر شرایط حبس بدتر باشد. تنازع بقاء و رفتارهای خشونت با رواج بیشتر خواهد یافت.

کارمندان زندان باید راه گفتگو مسالمت آمیز را به شیوه‌های خشونت در برابر خشونت ترجیح بدهند. بحث و پیشنهاد راه حل‌های عادلانه می‌توند پاسخ موثری به اختلافات باشد. گفتگو به احیا یا ایجاد فضای درک متقابل به احترام و مدارا کمک می‌کند.

در تنبیهات و برخورد با زندانیان ناهنجار فقط در صورت شکست در گفتگو و مذاکره می‌توان از شیوه‌های اجباری استفاده کرد. شیوه‌هایی مانند تغییر سلول یا بخش تنبیهات انضباطی و یا حبس انفرادی کوتاه مدت (اتاق‌های تک نفره) برای زندانیان خشن.

برای جلوگیری از اوج‌گیری خشونت اولین قاعده این است که کارمندی که دارای تماس مستقیم با زندانیان هستند هیچ وجه مسلح نشوند، زندانبانانی که مجهز با سلاح گرم باشند ممکن است برای کاربرد نامتناسب از آن وسوسه شوند. این احتمال هم وجود دارد زندانیان نیز به نوبه خود بتوانند سلاح‌ها را به سرقت برند.

۱- حضور و معاینه

- مدیر زندان با اطلاع از خبر احتمال و یا وقوع شورش و یا هرگونه ناآرامی و اغتشاش در زندان چنانچه خارج از زندان بسر می‌برد بسرعت خود را به عمل زندان برساند و سریعاً اطلاعات لازم را در خصوص کانون بحران اهداف شورش و قدرت و توانایی زندانیان شورشی کسب نماید.

۲- مذاکره و سازمان دهی

چون شورش مانند شعله آتش خاصیت سرایتی دارد، لذا جهت مهار هر شورشی یکی از مهمترین شاخص زمان است که نقش اساسی را ایفاء می‌کند. هر چه زمان بگذرد قدرت زندانیان شورشی افزایش و مهار شورش سخت‌تر و پرهزینه‌تر و پریخطرتر می‌گردد. لذا در این مرحله مذاکره فرصتی است که برای زندان سه هدف را می‌توان تحقق دهد:

هدف اول: کسب اطلاعات بیشتر در خصوص شورش و شورشیان

هدف دوم: کاهش ستیزی شورش و در صورت امکان خاتمه دادن به غائله

هدف سوم: متوقف کردن زندانیان شورشی به گفتگو و کسب زمان لازم برای سازماندهی و انتخاب فردی برای مذاکره با زندانیان که نزد آنان دارای مقبولیت بوده و یا یک مقام رسمی باشد که قادر باشد با فن و مهارت لازم در کاهش تنش‌ها و ایجاد فاصله بین گروه‌های شورشی از تحرکات آنها تا حد ممکن جلوگیری کند.

در فرصت مذاکره باید تمام نیروها و امکانات زندان را بسیج کرد وضعیت را به مسئولین مافوق اداری و قضائی اطلاع داد. نیروهای کمکی برای مهار بحران را درخواست کرد. تقسیم کار اولیه بین مسئولین بحران انجام شود و ماموریت‌ها به آنها تفهیم نموده، وسایل ارتباطی بین آنها تعریف کرده و تجهیزات لازم را مهیا و در اختیار آنها قرار داد. ضمناً در فاصله مذاکره بصورت غیرمحمسوس ماموران داخلی که در خطر گروگان‌گیری هستند باید از پوسته داخلی خارج کرد.

۳- محاصره و ایجاد فاصله

در این مرحله باید توسط زندان جهت مهار شورش و جلوگیری از فرار زندانیان و جلوگیری از دسترسی آنها به امکانات حساس و یا اقدام جهت تخریب اموال زندان و جلوگیری از تعدی آنها به سایر زندانیان عملیات محاصره آغاز شود کلیات عملیات محاصره عبارت از:

محاصره محل زندان از خارج زندان و کنترل مسیرهای منتهی به زندان، محاصره پوسته داخلی و مرکز کانون بحران و حفاظت از اماکنی چون آشپزخانه، اسلحه خانه، کارگاه‌ها، زندان و ایجاد فاصله بین بخشی از بخشی‌های از زندان که در اختیار زندانیان شورشی قرار نگرفته و هنوز در آنها ناآرامی به مرحله شورش نرسیده است.

همچنین محاصره می‌تواند با قطع برق دره‌های برقی داخلی، قطع گاز (برای جلوگیری از حریق و انفجار، قطع آب، محدودیت زندانیان را افزایش داد.

در مرحله محاصره در صورت نیاز می‌توان در خصوص انتقال بخشی از زندانیان آسیب پذیر به خارج زندان (مانند زندانیان زن) اقدام کرد.

۴- مقابله

در بسیاری از موارد انجام محاصره با عملیات مقابله زندانیان شورشی نیز می‌انجامد. در این حالت ممکن است ضرورت استفاده از سلاح پیش آید. لذا ابتدا باید دانست در مقررات بین المللی و داخلی در این خصوص به چه مواردی قانونی تاکید می‌نماید.

در ماده ۲ آئین نامه انضباطی مقررات بین المللی در امور زندانها مسئولین اجرایی زندان را از کاربرد زور در زندان منع کرده مگر در صورتی که استفاده از زور اجتناب ناپذیر و فقط در حدی باشد که نحوه انجام وظیفه این مسئولان ایجاب می‌کند و در ماده ۶ آن نیز تصریح شده است «مسئولان اجرایی قانونی نباید در چارچوب روابط خود با متهمین و یا محکومین زندانی به سلاح گرم متوسل شوند مگر در موارد مشروع برای دفاع از خود یا دفاع از فرد ثالث در مقابل تهدید به مرگ و یا جراحت جدی و یا زمانی که استفاده از سلاح گرم برای جلوگیری از فرار متهمان یا محکومان زندانی که خطرات ذکر شده در اصل ۹ را به وجود می‌آورد اجتناب ناپذیر باشد.»

همچنین در مقررات بین المللی توصیه شده به کارمندان زندان آموزش‌های ویژه‌ای برای مهار زندانیان مهاجم داده شود و همچنین قید شد نباید به کارمندان زندان اسلحه سپرده شود. مگر این که در این زمینه دوره دیده باشند.

در مقررات داخلی ایران نیز در بخشی از «قانون به کارگیری سلاح توسط مأمورین نیروهای مسلح در موارد ضروری مصوب ۱۳۷۲/۱۰/۱۸ نیز اینگونه تصریح شده است.

ماده ۱: مأمورین مسلح موضوع این قانون که به منظور استقرار نظم و امنیت و جلوگیری از فرار متهم یا مجرم و یا در مقام ضابط قوه قضاییه به تفتیش، تحقیق و کشف جرائم و اجرای احکام قضایی و سایر مأموریت‌های محوله، مجاز به حمل و به کارگیری سلاح می‌باشند موظفند به هنگام بکارگیری سلاح در موارد ضروری کلیه ضوابط و مقررات این قانون را رعایت نمایند.

موارد مجاز در استفاده مأمورین انتظامی از سلاح

ماده ۲: مأمورین انتظامی در موارد زیر حق بکارگیری سلاح را دارند:

برای دستگیری سارق و قاطع الطریق و کسی که اقدام به ترور و یا تخریب و یا انفجار نموده و در حال فرار باشد.
در موردی که شخص بازداشت شده یا زندانی از بازداشتگاه یا زندان و یا در حال انتقال فرار نماید، از اقدامات دیگر برای دستگیری و یا توقیف وی استفاده کرده و ثمری نبخشیده باشد.

تبصره ۱: در موارد فوق اقتضای شرایط، اخطار قبلی الزامی است.

تبصره ۲: مأمورین مسلح در کلیه موارد مندرج در این قانون در صورتی که مجازند از سلاح استفاده نمایند که اولاً چاره‌ای جز بکارگیری سلاح نداشته باشند، ثانیاً در صورت امکان مراتب،

الف) تیر هوایی

ب) تیراندازی کمر به پائین

ج) تیراندازی کمر به بالا را رعایت نمایند.

لذا با این اوصاف موارد زیر به عنوان توصیه‌های مهم تأکید می‌شود.

- باید استفاده از سلاح را تا حد ممکن محدود شود.
- افراد غیرنظامی تحت هیچ شرایطی مسلح نشوند.
- استفاده از فشنگ جنگی جز، مواردی که خطر قطعی فرار زندانیان متصور است باید خودداری شود.
- از تیراندازی با هرگونه فشنگ بصورت مسلسل‌وار باید خودداری شود. تیراندازی‌ها باید موردی و اخطاری و با هدف ایجاد سکون در زندانیان انجام شود تا زندانیان دیرتر متوجه شوند فشنگ‌ها جنگی نیست.
- در تیراندازی مستقیم در موارد ضروری باید از سلاح‌هایی با فشنگ‌های ساچمه‌ای (مانند منچستر) که تعداد زخم‌های زیاد اما کم‌عمق و کم‌خطر ایجاد می‌کند استفاده گردد.
- در تیراندازی با سلاح ساچمه‌ای نیز سعی شود با توجه به خطرپذیری صورت خصوصاً چشم‌ها، از سینه به پائین به سوی زندانیان متخاصم تیراندازی شود.
- از تیراندازی در اماکن مسقف با توجه به خطر کمانه کردن باید حتی‌المقدور خودداری شود.
- از پرتاب گاز اشک‌آور در اماکن مسقف باید خودداری شود که این امر بر بروز خطرات موجب تشدید بحران می‌شود.

- با توجه به خطرات تیراندازی به سوی نیروهای خودی، هرگونه جابجایی و مانور و استفاده از نیروهای ضد شورش باید تحت یک فرماندهی انجام شود.

- در صورتی که زندان دارای برجک است، تیراندازی‌ها با هدف ایجاد سکون و زمین‌گیری در زندانیان شورشی و جلوگیری از فرار زندانیان مناسب است. از این اماکن انجام شود برجک‌ها دارای خاصیت فیزیکی (سنگر خاص ویژه زندان) می‌باشند که می‌تواند از کان دفاعی هدایت‌شونده باشند.

و در پایان این مبحث چند اصل مهم وجود دارد که رعایت آنها در مهار بحران الزامی می‌باشد اشاره می‌گردد:

اصل اول:

در شورش‌ها محاصره آرام و بدون درگیری با شورشیان موجب فروکش نمودن شورش و هرگونه اقدام منجر به بروز تلفات در زندانیان موجب شدت و طغیان احساسات می‌گردد.

اصل دوم:

در شورش خسارات مادی هرچند سنگین باشد قابل جبران خواهند بود. اما خسارات جانی و فرار زندانیان غیرقابل جبران است.

اصل سوم:

برخورد فیزیکی و نظامی علیه زندانیان نشانه قدرت و اقتدار زندان محسوب نخواهد شد. آنچه موجب اقتدار زندان خواهد بود این است که شورش زندانیان بدون آنکه به هدف خود برسند (فرار) مهار شده باشد هرچند مدت زمان شورش و ناآرامی طولانی گردد.

اصل چهارم:

در مهار شورش‌ها، خطرناک‌ترین و بحران‌زاترین مسئله‌سازترین موضوع استفاده از سلاح گرم است. سلاح محاصره، حوصله مذاکره بهترین ابزار مهار بحران می‌باشد و استفاده از تجهیزات غیرآتشی ضد شورش در بسیاری موارد موثرتر واقع می‌شوند.

همچنین مدیران زندان باید ترتیبی اتخاذ نمایند از کلیه تحرکات زندانیان و اتفاقات فیلمبرداری کنند. زندانیان در شورش از فیلمبرداری و عکاسی بعلت تهیه مدارک مستند علیه آنان در دادگاه گاهی بیش از تیراندازی به هراس می‌افتند.

اصل پنجم:

در شورش‌ها تهیه ابزارهایی چون بلندگو دستی، وسایل ضد حریق، ماسک، چراغ‌های قوی سیار، نورافکن سیار، نردبان، وسایل و ابزارهای تخریب‌های سطحی، موتور جوش، آژیر خودرو پلیس، وسیله پرتاب آب، وسایل درمانی اولیه و ... از ابزارهای

ضروری مهار بحران در مراحل اولیه محسوب می‌شوند و در صورتی که تهیه و جمع آوری آنها در زندان به فوریت میسر نباشد، با درخواست اعزام خودروهای آتش نشانی می‌تواند در کوتاه‌ترین مدت ممکن کلیه ابزارهای اولیه ضد شورش غیرآتشی را در اختیار قرار دهد.

اصل ششم:

نیروهای نظامی و انتظامی ضدشورش که از خارج زندان برای کمک به مهار شورش اعزام می‌شوند با توجه به نوع آموزش‌هایی که دیدند و عدم شناخت کافی از زندان گرایش شدید به برخورد فیزیکی و عملیات نظامی خواهند داشت و در صورتی که قدرت و امکانات آنها تحت مدیریت بحران قرار نگیرد و این نیروها در انجام عملیات آزاد باشند ممکن است بحران سریعتر خاتمه یابد. اما تلفات و تبعات آن بسیار سنگین خواهد بود و تجربه نشان داده که شورش‌هایی که صرفاً با عملیات شدید نظامی علیه کلیه زندانیان مهار شود این مهار موقت بوده و تنش‌ها و ناآرامی و اغتشاش‌های بعدی را در پی خواهد داشت و توصیه می‌شود از این نیروها به عنوان نیروهای انجام عملیات محاصره و یا به عنوان نیروهای پشتیبان عملیات مداخله استفاده شود.

اصل هفتم:

در وضعیت مقابله مدیر زندان باید در همه حال توجه داشته باشد که تعدادی از زندانیان محرک و فعال شورش هستند و دیگران یا تحت تاثیر احساسات و یا به اجبار و یا در جریان سیل جابجایی جمعیتی وارد معرکه شدند. لذا دید انسان دوستانه و خیرخواهان به زندانیان تفهیم کند چنانچه هر چه سریع‌تر وضعیت را به شرایط عادی بازگرداند و باب مذاکره و برخورد منطقی با مسائل باز نشود ناچاراً نیروهای نظامی مداخله خواهند کرد و این زندانیان هستند که در این شرایط صدمه جدی جسمی و جانی خواهند دید. همچنین مدیر زندان باید بتواند با برقراری ارتباط با کسانی که در معرکه نقش اساسی ندارند آنها را ترغیب کند که از کانون بحران خارج شوند همچنین در صورت درگیری برای خروج مصدومان برای درمان آنها میانجیگری نماید.

اصل هشتم:

چنانچه مدت زمان بحران طولانی شود یک جبهه فشار جدید نیز گشوده می‌شود. آن حضور خبرنگاران، گزارشگران، مردم عادی، خانواده زندانیان و ... که جهت کسب اطلاع از وضعیت زندانیان در مقابل درب زندان و یا مشیر منتهی به زندان مراجعه کردند در مورد نحوه برخورد منطقی و صحیح با این عوامل باید از قبل آمادگی لازم را کسب کرد. مناسب است احدی از همکاران که مهارت اجتماعی لازم را دارا باشد جهت پاسخگوئی صحیح و درحد لازم برای ارتباط با رسانه‌های جمعی انتخاب و پس از ارائه اطلاعات و توصیه‌های لازم وی را صرفاً جهت همکاری با آنان عازم کرد و توجه داشته باشید نحوه عملکرد و پاسخگوئی شما در این مرحله، کار در دو مرحله بعد از بحران بسیار آسان‌تر خواهد کرد.

اما جبهه فشار گشوده شده دیگر در این باب از سوی خانواده زندانیان و برخی از معترضین به اوضاع و حوادث زندان خواهد بود و توجه داشته باشید احساسات، نگرانی‌ها و هیجانات این گروه در حد زندانیان داخل زندان می‌تواند بحران‌زا باشد. لذا باید توسط نیروهای پلیس و مدیریت روابط عمومی زندان در مورد کنترل و ارائه اطلاعات لازم به آنان اقدام کرد.

این تجمع با کوچکترین محرک خارجی بحران‌زا می‌گردد. لذا شناسایی و برخورد منطقی با عوامل شایعه‌ساز و محرک ضروری بوده و از هرگونه اقدامات تحریک‌آمیز مانند خروج مجروح، متوفی و مصدوم از مسیر تجمع باید خودداری کرد و در موارد اضطراری تحت پوشش‌های مختلف آنها را عبور داد.

به افراد تجمع‌کننده باید این پیام را منتقل کنید که اوضاع در کنترل است و در حد امکانات به سؤالات آنها پاسخ دهید و در اولین زمان ممکن برنامه ملاقات عادی و یا ملاقات محدود زندانیان را پس از بحران فراهم سازید و در شرایط خاص چنانچه ناچار شده‌اید برای آرامش تجمع، اطلاعاتی مانند اسامی مصدومین و متوفیان را ارائه دهید. اعلام اسامی متوفی‌ها خطر تشدید بحران را در پی خواهد داشت. لذا می‌توانید اسامی مجروحان را اعلام و مکان دیگری برای اعلام اسامی متوفیان مشخص نمائید که اولاً تجمع از مقابل زندان دور شود. ثانیاً در مکان بعدی فقط با اخذ مشخصات از خانواده زندانیان به تعداد قابل کنترل‌تری اطلاعات دهید.

۵- مداخله

مداخله مرحله‌ای است که باید با اتخاذ یک برنامه عملیاتی و با مداخله در کانون بحران نسبت به دستگیری و انتقال محرکین اقدام و سایر زندانیان را به آسایشگاه‌های خود هدایت کرد و شرایط را به وضع عادی منتقل کرد. در طراحی عملیات نحوه مقابله، با توجه به تنوع شرایط نمی‌توان دستورالعمل واحدی را توصیه کرد. اما در توفیق عملیات مداخله اصول زیر می‌تواند مؤثر باشد.

اصل اول

عملیات محاصره بخوبی انجام شده باشد و کانون بحران در بخشی از زندان محدود شده باشد.

اصل دوم

اطلاعات کافی از شرایط و امکانات و نحوه استقرار و نحوه دفاع زندانیان فعال در کانون بحران بدست آمده باشد.

اصل سوم

طرح عملیات، شامل نوع ورود به کانون بحران و نوع برخورد با شورشیان، تعداد افراد مورد نیاز، تجهیزات آنها، نحوه توجیه آنها بخوبی و زمانی مناسب و مدت عملیات برنامه‌ریزی شود و علاوه بر مسئولین فضایی و نظامی مدیر زندان نیز آن را تایید کند.

اصل چهارم

نحوه هدایت سایر زندانیان به اماکن استقرار در مدت برقراری وضعیت فوق‌العاده و نحوه ارائه خدمات به سایر زندانیان در این شرایط مشخص شود.

اصل پنجم

نحوه برخورد با عاملین شورش از جهت نحوه انتقال موقت و نوع نگهداری آنان مشخص شود.

در این مبحث باید به این نکته مهم توجه کرد که زندانها محیط ناشناخته‌ای برای نیروهای ضدشورش خارج از زندان بوده و به علت بافت و طراحی ساختمانی حتی عبور آنها در وضعیت عادی نیز با ابهام و سردرگمی همراه خواهد بود چه برسد در وضعیت و شرایط غیر عادی لذا هدایت، راهنمایی و مدیریت رئیس زندان و همکاران زندانها از عوامل مهم تسریع و تسهیل در انجام وظائف واحدهای ضدشورشی خواهد شد. و اگر به دلیل نقش مدیر زندان در عملیات ضدشورش کم رنگ و یا بی اثر باشد، احتمال موفقیت همه جانبه بحران به حداقل خواهد رسید. آنچه در پایان این مبحث می‌توان به عنوان حسن ختام به آن اشاره کرد این است که بروز هر تهدید و ناامنی در زندان بدون آسیب نخواهد بود و اگر از این آسیب‌ها و خسارات در حوادث، درس و تجربه‌های جدید برای بهبود امور زندان و ارتقاء سطح مدیریت زندان نیاموزیم و آن را در بستر خود ترویج ندهیم، آنچه ضرر و خسران دیده‌ایم در مقابل آنچه بزودی خواهیم دید ناچیز خواهد بود.

۱۶- مفاد مندرج در آئین نامه و مقررات قانونی زندانها در باب مرتبط با تهدیدها و ناامنی

در زندان

ماده ۲۵- رئیس زندان یا مراکز وابسته شخصا و در غیاب وی مسئول مربوطه به محض اطلاع از وقوع حادثه باید در محل حاضر شده، ضمن اتخاذ تدابیر لازم و عاجل برای برقراری نظم و آرامش در صورت لزوم مراتب را در اسرع وقت به مقام‌های بالاتر گزارش نماید. رونوشت آن نیز برای دادستان یا قاضی ناظر زندان ارسال می‌گردد.

ماده ۲۶- حفاظت از زندانها و مراکز حرفه آموزی و اشتغال، استقرار نظم و تامین امنیت آنها با استفاده از طرح‌ها، عوامل و موانع حفاظت فیزیکی و برخورد مناسب و مقابله لازم با هرگونه اخلاص نظم، اغتشاش، شورش و اقدام‌های مخل امنیت مراکز حرفه آموزی و اشتغال بوسیله یگان حفاظت تحت نظارت و هدایت رئیس مراکز حرفه آموزی و اشتغال یا زندان انجام می‌گیرد.

ماده ۱۱۰- بهداری موسسه و یا زندان مکلف است برای پیشگیری از سرایت بیماری‌های واگیردار مانند بیماری‌های آمیزشی، سل و نظایر آن وارد عمل شده و با استفاده از همکاری و کمک‌های مالی و فنی وزارتخانه‌ها و موسسه‌ها و انجمن‌ها نسبت به تهیه محل و دارو برای درمان کامل بیماران یاد شده و همچنین معتادان مواد مخدر یا الکل اقدام نماید.

ماده ۱۱۶- محکومان مبتلا به بیماری‌های روانی واگیر پرخطر باید با لحاظ نظر پزشک متخصص و نیز سیاستهای وزارت بهداشت، درمان و آموزش پزشکی به صورت مجزا نگهداری و معالجه شوند.

ماده ۱۶۸- هر محکوم باید به محض اطلاع از وقوع حوادث و پیشامدهای سوء احتمالی و اعمالی که تحقق آن مخل نظم داخلی موسسه یا زندان می‌گردد مراتب را فوری به مسئول امور نگهداری یا به هر یک از مقام‌های مسئول زندان گزارش دهد.

ماده ۱۷۰- مقید نمودن محکوم و متهم به دستبند به منظور کنترل و جلوگیری از خودزنی، ایراد و آزار دیگران، ایراد خسارت به اموال و ممانعت از فرار وی به هنگام اعزام و بدرقه برابر نظریه رئیس موسسه یا زندان و در غیاب وی بالاترین مقام مسئول در موسسه یا زندان مجاز می‌باشد.

ماده ۱۷۱- در هنگام شورش محکومان یا متهمان، کارکنان موسسه‌ها و زندانها تلاش خود را در برقراری آرامش و جلوگیری از بروز خون ریزی یا ایراد خسارت به افراد و اموال خواهند نمود و در صورت لزوم از مقام‌های انتظامی محل استمداد نموده جلوی گسترش شورش را می‌گیرند و متخلفان را حسب مورد به دستگاه قضایی و شورای انضباطی، موسسه یا زندان معرفی خواهند کرد.

۱۷- فهرست منابع

- ✓ حسینی، سیدحسین؛ فیلی، ادریس و خادم دقیق، امیرهوشنگ - مدیریت بحران مبتنی بر سامانه های تصمیم یار، فصلنامه پژوهش های دانش انتظامی
- ✓ ان. ال. پی و رموز موفقیت در مدیریت و رهبری - رابرت ایتز ترجمه مهدی قراچه داغی
- ✓ آسیب شناسی اجتماعی - تأثیر زندان بر زندانی - تحقیق و تألیف عباس عبدی
- ✓ اومی، کن ایچی، تفکر یک استراتژیست، ترجمه داوود مسگریان حقیقی، سازمان مدیریت صنعتی
- ✓ آئین نامه قانونی و مقررات زندان های ایران
- ✓ بحران - تفکر سریع مدیریت - راس جی - ترجمه دکتر فرخ لقاء رئیس دانا
- ✓ پنجمین فرمان - خلق سازمان فراگیر - پیترسنگه - ترجمه حافظ کمال هدایت و محمد روشن
- ✓ تاجیک، محمدرضا - مدیریت بحران، تهران: انتشارات جلالی.
- ✓ تسلیمی، سعید و دیگران - بررسی الگوی سه نوع تصمیم گیری حضرت امام خمینی (ره)؛ دو ماهنامه دانشور رفتار
- ✓ رضائیان، علی، مبانی سازمان و مدیریت، انتشارات سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی دانشگاهها (سمت).
- ✓ روانشناسی بهره‌وری - دکتر محمود ساعتچی
- ✓ روانشناسی مدیر موفق - جاگدیش پاربخ - ترجمه دکتر غلامحسین معتمدی
- ✓ روزنتال، آریل؛ هارت، پائول تی و چارلز، مایکل تی (،) ۹۸۳۱ دنیایی از بحران ها و مدیریت بحران، ترجمه محمدعلی ستاری فقیهی، دانش انتظامی، شماره ۹۱.
- ✓ رویه عملی در زندان - کاربرد مقررات بین المللی در امور زندان ها تهیه شده از سازمان اصلاحات جزایی بین المللی PRT - ترجمه رضا علی اکبرپور
- ✓ سند بین المللی بهبود نظام زندانبانی - ترجمه حسن ظفرانگار
- ✓ سوری، علیرضا اصول، مبانی و رویکردهای مدیریت بحران (با تأکید بر بحران های اجتماعی)، مدیریت بحران و وضعیت های اضطراری، شماره ۱۱.
- ✓ کاربرد روانشناسی در زندان - دیریه جی. کوک. پلاماجی. بالدوین جکولین هاویسون - ترجمه عطااله محمدی
- ✓ کلیات پزشکی ۱ و ۲ - تألیف و گردآوری منیرنوبهار - دکتر عباسعلی وفایی
- ✓ مباحث ویژه مدیریت روانی - دکتر سیدمهدی الوانی - دکتر شمس السادات زاهدی
- ✓ مبانی رفتار و سازمان - استیفن پی. رایبیز - ترجمه دکتر علی پارسائیان و دکتر سید محمد اعرابی
- ✓ مدیریت استرس - دکتر برایان سی وارد - ترجمه مهدی قراچه داغی

- ✓ مدیریت منابع انسانی - دکتر حبیب‌اله دعایی
 - ✓ مقدمه‌ای بر جامعه‌شناسی زندان - علی شمس
 - ✓ مهارت‌های لازم برای موفقیت - مارسسی گیسون - ترجمه امید رشیدی نیک
 - ✓ نشریه علمی و بین‌المللی روابط عمومی ایران - سال سوم شماره دوازدهم.
- Ansoff, H. I., "Managing Strategic Surprise by Response to Weak Signals", California
-Dawn, R. Gilpin and Priscilla, J. Murphy (۲۰۰۲), "Crisis Management in Complex
World,"
Management Review, vol. XVIII no. ۲, pp. ۲۱-۳۳.
Oxford University Press, Inc
-Senge, P. M. The fifth discipline: The art and practice of the learning Organization. New
York: Currency-Doubleday.